

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صبح صادق

درس‌هایی از عظمت حضرت خاتم الانبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
و حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام و اهداف رسالت اسلام

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

سرشناسه : صافی گلپایگانی، لطف‌الله.

عنوان و نام پدیدآور : صبح صادق: درس‌هایی از عظمت حضرت خاتم‌الانبیاء ﷺ و حضرت امام صادق ﷺ و اهداف رسالت اسلام / صافی گلپایگانی.

مشخصات نشر : قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴.

وضعیت ویراست : ویراست ۲.

مشخصات ظاهری : ۸۸ ص.

شابک : ۰ - ۰۲ - ۷۸۵۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیا.

یادداشت : کتابخانه.

یادداشت : نامه.

موضوع : محمد ﷺ، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق.

موضوع : جعفر بن محمد ﷺ، امام ششم، ۸۳ - ۱۲۸ ق.

موضوع : اسلام - مقاله‌ها و خطابه‌ها.

رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۴ ص ۲۲/ص ۹/ BP۲۲/۹

رده‌بندی دیویی : ۲۹۷/۹۳

شماره کتابشناسی ملی : ۴۱۸۲۷۲۷

دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی

- نام کتاب : صبح صادق
- مؤلف : حضرت آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی مدظله‌العالی
- ویراست دوم، چاپ اول (سوم ناشر): جمادی‌الاولی ۱۴۳۷ / زمستان ۱۳۹۴
- شمارگان : ۳۰۰۰
- بهای : ۳۵۰۰ تومان
- شابک : ۰-۰۲-۷۸۵۴-۶۰۰-۹۷۸
- سایت الکترونیک : www.saafi.net
- پست الکترونیک : saafi@saafi.net
- آدرس پستی : قم / انقلاب ۶ / پلاک ۱۸۱
- تلفن : ۰۲۵) ۳۷۷۲۳۳۸۰

فهرست مطالب

- سخن ناشر..... ۵
- مقدمه..... ۷
- هدیه اول: درس‌هایی از عظمت حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله..... ۱۱
۱. عظمت در رسالت و دعوت..... ۱۴
۲. عظمت در اراده و تصمیم..... ۲۵
۳. عظمت در زهد و بی‌اعتنایی به دنیا..... ۲۹
۴. عظمت در رعایت مساوات و برابری انسانی با مردم..... ۳۱
۵. عظمت در اصلاحات بنیادی اجتماعی..... ۳۳
۶. عظمت در تشریح قوانین و احکام و شرایع..... ۳۵
۷. عظمت در علوم و معارف..... ۳۷
- هدیه دوم: سیری در زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مواقف امام صادق علیه السلام.... ۴۱
- فصل اول: دوران رضاع و صباوت و کودکی..... ۴۴
- فصل دوم: دوران بعد از کودکی تا بعثت..... ۴۴

- فصل سوم: از بعثت تا هجرت به مدینه..... ٤٧
- فصل چهارم: از هجرت تا وفات..... ٥٢
- موقف حساس و بلند علمی حضرت امام صادق (ع)..... ٥٨
- فایده بزرگداشت روزهای تاریخی اسلام..... ٦٢
- توصیه‌هایی به مسلمانان خارج از کشور..... ٦٣
- هدیه سوم: هدف‌های رسالت اسلام..... ٦٧
١. ایمان به خدای یگانه..... ٦٩
٢. ایمان به پیغمبران خدا و نبوت..... ٧١
٣. ابلاغ و اجرای حقوق انسان..... ٧٢
٤. برقراری نظام اقتصادی سالم..... ٧٥
٥. همگانی کردن حق علم‌آموزی..... ٧٧
٦. تهذیب عقل از خرافات..... ٧٨
٧. ایجاد جامعه جهانی..... ٧٩
٨. اقامه قسط و عدل..... ٨٠
٩. تأمین سعادت دنیا و آخرت..... ٨٠
١٠. تأسیس مدینه فاضله انسانی..... ٨١
- کتاب‌نامه..... ٨٥
- آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف در یک نگاه..... ٩١

سخن ناشر

صبح صادق مجموعه‌ای ارزشمند از سه مقاله پربار و خواندنی است که به شکلی اجمالی و جذاب به بازخوانی و مرور درس‌هایی از عظمت حضرت خاتم‌الانبياء ﷺ و نیز حضرت امام صادق عليه السلام می‌پردازد. کتاب در پایان، با بیان اهداف والای رسالت اسلام، دعوت آن حضرت را فراخوانی جاوید و همگانی برای تمامی اعصار می‌داند و عمل به دستورات اسلام و قرآن را ضامن سعادت واقعی می‌داند.

از آنجا که مؤلف محترم، در زمان نگارش اثر در لندن به سر می‌برده‌اند هر سه فصل کتاب را به برادران و خواهران مسلمان مقیم انگلیس هدیه نموده‌اند. با توجه به اینکه مخاطب اصلی **صبح صادق**، قشرهای جوان و دانشجویان عزیز می‌باشند و از سویی کتاب با تأکید فراوان بر حفظ و بهینه‌سازی هویت دینی و بازگشت به سنت‌های انسان‌ساز اسلام عزیز و بر اساس روش زندگی عالی‌ترین الگوهای انسان، نگاشته شده است، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌العالی اقدام به بازنشر آن نمود.

این کتاب برای اولین بار در ۱۳۵۵ هجری شمسی از سوی مجمع جهانی اسلامی لندن و تحت عنوان *ندای اسلام از اروپا* انتشار یافت. اکنون ویرایش جدید این اثر ارزشمند را، تقدیم علاقه‌مندان می‌نماید.

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برادران و خواهران مسلمان مقیم انگلستان

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

خداوند متعال به همه شما تندرستی و خیر و سعادت و رستگاری عطا فرماید و به تبلیغ رسالت اسلام که بهترین خدمت به بشریت است و عمل به تعالیم عالیّه آن موفّق سازد. حقیر از اینکه موفّق به زیارت مسلمانانی متعهد و ملتزم و کوشا و متحرّک و علاقه‌مند به تعظیم شعائر و حفظ سنن اسلامی شده و خدمات شما را به اسلام می‌بینم افتخار دارم. شرکت در مجمع جهانی اسلامی و نماز جماعت و اجتماع پرشور و پرمعنای شما مردم مسلمان مخصوصاً جوانان و دانشجویان عزیز و دیدن نتایج ارزنده تلاش‌ها و کوشش‌هایی که برای تأسیس مجمع جهانی اسلامی شده است واقعاً لذّت‌بخش بود.

چنانچه خلوص نیّت شرکت‌کنندگان در جلسات مجمع جهانی اسلامی و عشق و علاقه زن و مرد مسلمان و خدماتی که همگی به رهبری حجت‌الاسلام و المسلمین آقای مصباح‌زاده‌دامت‌برکاته به اسلام و مسلمین و

معرفی تشیع - که اسلام پاک و خالص است - می‌نماید سزاوار تحسین و تقدیر است و این مجمع اسلامی و این اجتماعات و این همکاری‌ها و تبلیغات در قلب اروپا موجب سرافرازی و مباهات است و تأسیس آن اقدام خداپسندانه‌ای است که در جهت تأسی به پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهتمام آن حضرت به هدایت بشر قرار دارد و سبب رضای خداوند متعال و مسرّت خاطر انور حضرت ولیّ عصر عَلَيْهِ السَّلَام است و حقاً جهانی بودن رسالت اسلام اقتضا دارد که این‌گونه مجامع گسترده‌تر و هرچه کامل‌تر در تمام شهرهای بزرگ اروپا و امریکا و خاور دور و غیره تشکیل شود تا ندای جان‌بخش توحیدی اسلام به گوش جهانیان برسد.

بدیهی است تقدیر از این مجمع و از خدمات برادران و خواهران مسلمان مفهومش این نیست که آنچه لازم است انجام شده و دیگر وظیفه‌ای باقی نیست، زیرا باید مراکز تبلیغی دیگران و هزارها کلیسایی که مجهز به تمام وسایل مادی هستند و جدیت و قدرت و امکانات آنها را در نظر گرفت و نیز اینکه این مجمع در چنین محیطی عهده‌دار تبلیغات و ادای رسالت اسلام شده است. پس این قدم هرچند بسیار مهم و وسیع باشد قدم اول بوده و هنوز در ابتدای راه، گام بر می‌داریم.

باید با کوشش و مساعی، عموم مسلمانان، اهل هر کشور و ملت که باشند، متحد و یک‌صدا و هماهنگ کار کنند و برای توسعه این مجمع از هر جهت، مادی و معنوی در خارج و داخل هرکس به سهم خود از

کمک و یاری مضایقه ننماید، تا این مؤسسه در خور شأن و مقام خود به فعالیت‌های اسلامی ادامه داده، تشکیلات خود را در رشته‌های مختلف ارشاد و تبلیغ و پرورش افکار توسعه دهد و بر آبرو و عزت و شرف مسلمانان بیفزاید. ان شاء الله تعالی.

از خداوند متعال برای همه شما موفقیت بیشتر و سعادت و ترقی و خیر دنیا و آخرت مسئلت می‌نمایم و به مقتضای:

«مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعَمَ مِنَ الْخَلْقِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ»^۱

در درجه اول از مرجع عالی‌قدر حضرت مستطاب آیت‌الله العظمی آقای گلپایگانی دام‌ظله بنیان‌گذار و مؤسس مجمع جهانی اسلامی لندن و مساجد و مجامع و مؤسسات اسلامی دیگر و سپس از دانشمند معظم حضرت آقای مصباح‌زاده که خدمات و زحماتشان در تأسیس این مجمع و احیای اسلام در این کشور بسیار قیمتی و درخشان است تقدیر و تشکر می‌نمایم.

«اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُجَازِي لِأَهْلِ الْبِرِّ وَالْجِهَادِ فَأَجِرْهُمْ خَيْرَ جَزَاءِ
الْمُحْسِنِينَ وَالْمُجَاهِدِينَ»^۲

۱. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۴؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۱۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۴۴. «کسی که شکرگذاری ولی نعمت خود از خلق خدا را نکند، از خداوند عزوجل شکرگزاری نکرده است».

۲. «پروردگارا تو پاداش‌دهنده نیکوکاران و مجاهدان هستی، پس بهترین پاداشی که شایسته نیکوکاران و مجاهدان راحت هست به آنان عطا فرما».

برای اینکه از این سفر یادگاری از خود به جای گذارده باشم به مناسبت ایام سوگواری ماه صفر و رحلت حضرت خاتم الانبیاء ﷺ و عید سعید میلاد آن حضرت در هفدهم ربیع المولود مقالاتی با حال شدت کسالت و بیماری و نداشتن وسیله‌ای جز قلم و کاغذ نوشتم و به عنوان هدیه حضور برادران و خواهران محترم مسلمان، تقدیم می‌دارم. امید است اگر در آن نواقص و کوتاهی‌هایی باشد با قلم مهر، اصلاح فرمایند.

وما توفیقی إلا بالله

لندن / ۱۷ ربیع الاول ۱۳۹۷

۱۷ اسفند ۱۳۵۵ هجری شمسی

لطف الله صافی

هدیه اول



درس‌هایی از عظمت

حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ
وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾^۱

به خواست خداوند متعال سخن ما در این مقاله تحت عنوان:
«درس‌هایی از عظمت حضرت خاتم الانبیاء ﷺ» خواهد بود.
وجود مقدس حضرت محمد بن عبدالله ﷺ جامع انواع عظمت‌های
انسانی و بزرگواری‌های یک فرد بی‌نظیر و بی‌مانند بشری بود که شرح
هر یک از آن عظمت‌ها در این مقاله امکان ندارد و اجمالاً اگر انبیا و
پیغمبران را به لقب قهرمانان خواندن مناسب شأن رفیعشان بود باید
آن حضرت را چنانچه مورخ شهیر انگلستان «توماس کارلایل» در بین
تمام پیغمبران یگانه قهرمان خوانده، در همه عظمت‌ها قهرمان یگانه و
موفق و بی‌نظیر بخوانیم.

۱. احزاب، ۲۱. «برای شما اگر به خدا و روز قیامت امید می‌دارید و خدا را فراوان یاد
می‌کنید، شخص رسول‌الله مقتدای پسندیده‌ای است.»

در این مقاله فقط می‌خواهیم با چند رشته از عظمت‌های آن حضرت آشنا شویم و از هر یک برای سازندگی شخصیت خود درس و سرمشق بگیریم.

۱. عظمت در رسالت و دعوت

در بین دعوت کسانی که در تاریخ بشر برای اصلاحات اجتماعی یا انقلاب‌های بنیادی قیام کرده‌اند. دعوتی عالی‌تر و رسالتی انقلابی‌تر و جامع‌تر از رسالت پیغمبر اسلام ﷺ نبوده است.

بدیهی است درک عظمت این رسالت محتاج به بررسی‌های زیادی است که به‌طور فهرست به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱. بررسی اوضاع اخلاقی و دینی جوامع بشری در عصر ظهور آن حضرت.
۲. بررسی اوضاع علمی و فرهنگی.
۳. بررسی اوضاع اجتماعی ملل و امم.
۴. بررسی اوضاع سیاسی و رژیم‌های حاکم بر جوامع انسانی.
۵. بررسی وضع بانوان در سراسر دنیا و به‌خصوص در جزیره‌العرب.
۶. بررسی وضع بردگان و غلامان.
۷. بررسی اوضاع اقتصادی و نظامات مالی.
۸. بررسی عادات و قواعد و رسوم.
۹. بررسی نظامات جنگی.
۱۰. بررسی ارزش حقوق انسان در آن زمان.

و بررسی‌های دیگر که فعلاً در این مقاله مجال بسط و تفصیل آن نیست و همه منتهی به این می‌شود که دنیا در تمام این شئون، وضع بسیار غیرانسانی و اسفانگیزی داشت که اگر رسالت حضرت محمد ﷺ به کمک بشریت نیامده و از او دستگیری نکرده بود و سیر ارتجاعی بشر از آن عصر به بعد همچنان ادامه می‌یافت دنیا از علم و فضایل و حقوق و آزادی و آنچه بعد از آن حضرت به ظهور پیوسته محروم می‌ماند.

اساس عظمت دعوت پیغمبر اسلام، دعوت به توحید و یکتاپرستی است که در کلمه طیبّه «لا اله الا الله» خلاصه می‌شود. کلمه‌ای که از آن ارزنده‌تر و آزادی‌بخش‌تر و روشن‌تر و نجات‌دهنده‌تر نیست. کلمه‌ای که در آن تمام برابری‌ها و برادری‌ها و الغای امتیازات پوچ و موهوم نهفته است. کلمه‌ای است که به گفته «گوستاولوبون» دانشمند مشهور فرانسوی در کتاب *تمدن اسلام و عرب* در بین ادیان تاج افتخاری است که فقط بر سر اسلام قرار دارد.^۱

کلمه‌ای که استثمار و استضعاف را محکوم و ریشه‌کن می‌سازد و هر اطاعتی را که در اطاعت خدا و قانون خدا درج نباشد ناروا و غیرمجاز قرار می‌دهد. کلمه که اعلان آزادی بشر و حقوق انسان‌ها است. کلمه‌ای که مستبدان را به زانو در آورد و اعلان جنگ داد و

۱. لوبون، تمدن اسلام و عرب، ص ۱۴۳.

بشریت را علیه آنها بسیج کرد. آری حکم مخصوص خدا است و غیر از او کسی که سزاوار پرستش باشد نیست. همه باید شعارشان کلمه «لا اله الا الله» باشد. شعاری که یک فرد عادی را با بزرگ‌ترین امپراطوری‌های عالم برابر می‌سازد و شعاری که هرکس آن را فهمید و درک کرد خود را با کسری و قیصر مساوی و برابر و بلکه در ارزش انسانی برتر یافت.

راجع به این شعار و این کلمه و معانی گسترده آن که شامل تمام شئون حیاتی انسان می‌شود سخن حتی در یک کتاب بزرگ به پایان نمی‌رسد و این‌جانب در رساله‌ای به نام «رساله توحیدیه» ابعادی از عقیده توحید را که با آزادی بشر و استقلال انسان‌ها و تهذیب افکار از عقاید موهوم و خرافی ارتباط دارد، شرح داده‌ام.

پایه دیگر دعوت اسلام، برابری و مساوات است که آن هم رشته‌ای از معنی کلمه توحید است. در قرآن می‌فرماید:

﴿تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾؛

«بیایید به‌سوی کلمه‌ای که مساوی و برابر میان ما و شما است: اینکه نپرستیم مگر خدا را و شریکی برای او قرار

ندیم و بعضی از ما بعضی دیگر را سوای خدا ارباب و صاحب‌اختیار خود نگیرد».

پایه سوم دعوت اسلام، دعوت به برادری و همکاری و اخوت همگانی است که در آن رنگ و نژاد و فاصله‌های دیگر محو شود و تمام بشر را بتواند با هم برادر سازد؛ که قرآن می‌فرماید:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾^۱

«همه به ریسمان خدا چنگ بزنید و متفرق و جدا نشوید و نعمت خدا را بر خودتان یاد کنید آن هنگام که با هم دشمن بودید و خدا میان دل‌های شما الفت و پیوند داد پس به لطف او برادر شدید».

پایه چهارم رسالت اسلام، دعوت به عدالت و حکم به عدل و احسان و نیکی است که در قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾^۲

«خدا به عدل و احسان امر می‌کند».

﴿اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾^۳

«عدالت ورزید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است».

۱. آل‌عمران، ۱۰۳.

۲. نحل، ۹۰.

۳. مائده، ۸.

﴿وَإِذَا حَكَّمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾؛^۱

(وقتی میان مردم حکم کردید، به عدل حکم کنید).

پایه پنجم، دعوت به الغای امتیازات نژادی و قبیله‌ای و هر امتیاز دیگر که مانع تشکیل جامعه بزرگ و برادری جهانی است. در قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا
إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾؛^۲

«ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اینها ملاک امتیاز نیست)؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شما است».

پایه ششم، دعوت به سعی و عمل و کار و کوشش است. چنانچه در قرآن می‌فرماید:

﴿وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾؛^۳

(و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست).

پایه هفتم، دعوت به برابری زن و مرد در ارزش‌های واقعی انسانی است. چنانچه می‌فرماید:

۱. نساء، ۵۸.

۲. حجرات، ۱۳.

۳. نجم، ۳۹.

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوَةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾؛^۱

«هرکس از مرد و زن که عمل صالح کند و مؤمن باشد او را به حیاتی پاک زندگی می‌دهیم و نیکوتر از آنچه عمل کردند به آنها پاداش می‌دهیم».

و در سوره احزاب می‌فرماید:

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّامِعِينَ وَالصَّامِعَاتِ وَالْحَافِظِينَ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾؛^۲

«به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان باایمان و زنان باایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبیا و زنان صابر و شکیبیا، مردان باخشوع و زنان باخشوع، مردان انفاق‌کننده و زنان انفاق‌کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا

۱. نحل، ۹۷.

۲. احزاب، ۳۵.

هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است».

که حاصل معنی این است که در این فضایل ده‌گانه اسلام: ایمان، عبادت خدا، راستی، صبر و شکیبایی، خشوع و ترس از خدا، صدقه و احسان و نیکی، روزه‌داری و عفت و پاکدامنی، بسیار به یاد خدا بودن برای مرد و زن آمرزش و مغفرت و مزد بزرگ آماده است که در این میدان مسابقه در ارزش‌های حقیقی انسانی زن و مرد طبق تعالیم اسلام شرکت نمایند و هرکس گوی سبقت را بر باید به خدا نزدیک‌تر و از کمال انسانی بهره‌مندتر است. اینها علاوه بر حقوق مالی و مدنی است که اسلام به زن عطا کرده و به او استقلال و شخصیت داده است که انسانی‌تر از آن در هیچ مکتبی نیست. پایه هشتم، این است که عقل و فهم بشر را مخاطب قرار داده و مرد را به تعقل و تفکر مأمور می‌سازد و از آنها می‌خواهد که به حکومت عقل گردن نهند و حق را از باطل تشخیص دهند. در قرآن مجید می‌فرماید:

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ﴾؛^۱

«در این مثال تذکری است برای خردمندان (از ناپایداری دنیا)»

﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾؛^۲

۱. زمر، ۲۱.

۲. زمر، ۱۷ - ۱۸.

«پس بندگان مرا بشارت ده! همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمندانند».

پایه نهم، این است که بشر را به علم و دانش و بینش تشویق می‌نماید و مقام علم را بالا برده و مافوق تمام مقامات قرار داده است و در آیات متعدّد قرآن مجید خدا علم و دانش و دانشمندان را ستوده و به آن تشویق و امر فرمود و نام علما را در ردیف نام خود و فرشتگان یاد کرده است.^۱

۱. در این جا مناسب است به منزلت بزرگ و مقام عالی و ارزنده و مسئولیت بزرگی که دانشجویان عزیز دارند توجه شود. دانشجویان، شما می‌دانید که جامعه مسلمان از جهت راهنمایی‌های انسانی و تعالیم اعتقادی و اخلاقی و اجتماعی و سیاسی و ارشاد به تمام اصول واقعی و سازنده یک جامعه به تمام معنا زنده و متحرک و مترقی است و ضعیف نیست و به تصدیق دانشمندان بزرگ در هر عصر و زمان تعالیم اسلام پیشرو و انسان‌سازترین تعالیم و برنامه‌ها است. ضعیفی که مسلمانان پیدا کرده‌اند در ناحیه علوم مادی و تجربی است که جوامع اسلامی به دانشمندان و محققان و متخصصان در رشته‌ها و شُعب متعدّد این علوم احتیاج دارند و این شما دانشجویانید که وظیفه دارید متعهدانه این ضعف را برطرف نمایید و این خلأ بزرگ را پر کنید.

درس بخوانید و کوشش کنید و تحقیق نمایید برای اینکه آینده جامعه اسلام به علم شما و به ابتکار شما و به تحقیق شما مباحث کند؛ برای اینکه شخصیت علمی شما باعث عزّت مسلمین و احتیاج دیگران به مسلمانان باشد؛ هیچ حد و مرزی برای تحقیق و بررسی قائل نباشید و هرچه می‌توانید جلو بروید. چرا باید جوایز علمی نصیب دیگران شود و چرا باید همیشه نظرات و تئوری‌های دیگران در دانشگاه‌های دنیا تدریس شود؟ تا چند قرن پیش، مسلمانان با تقدّم علمی در همه‌جا شهرت و معروفیت داشتند و دانشمندان

پایه دهم، این است که تعلیماتش همه مطابق فطرت است و تحمیل بر فطرت بشر نیست؛ خواسته‌های واقعی بشر را بر می‌آورد، و غرائز او را رعایت و ملاحظه نموده است؛ به هرچه نیکو و فطرت‌پسند است فرمان داده و از هرچه وجدان و فطرت پاک از آن متنفر است نهی کرده است. در قرآن مجید می‌فرماید:

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾؛

«به پا دار روی خود را از برای دین حنیف و خالص. فطرت خدا است که مردم را بر آن سرشته است تبدیلی در آفرینش خدا نیست این است دین قیّم و استوار ولی بیشتر مردم نمی‌دانند».

ما در واقع بنیان‌گذاران علوم بودند؛ جابر بن حیان یکی از شاگردهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است که کتاب‌هایش به زبان‌های زنده ترجمه شده و اختراعاتی دارد و بیش از پانصد رساله در رشته‌های علمی نوشته و کسی است که به پدر شیمی ملقب شده است. شما دانشجویان عزیز اگر درس می‌خوانید برای اینکه مدرکی بگیرید یا علم را وسیله رسیدن به پول و مقام قرار دهید ارزش شما از نظر اسلام همان پول و مقامی است که به آن می‌رسید و مزد شما هم همان است ولی اگر برای رفع کمبودی که در اجتماع مسلمانان است و برای تجدید عظمت‌های علمی مسلمانان و برای اینکه ذخائر و سرمایه‌های واقعی اسلام باشید و مسلمین را از فقر علمی نجات دهید و از بیگانه‌بی‌نیاز سازید درس می‌خوانید، بدانید منزلت و رتبه شما بسیار رفیع است و اجر و پاداش شما را فقط خدای بزرگ می‌تواند عطا کند و عطا می‌فرماید. به امید کوشش شما و تعهدات اسلامی شما.

پایه یازدهم، این است که دعوت اسلامی، افراد مسلمان را متعهد و مسئول می‌نماید که در حسن جریان امور و اجرای احکام و برنامه‌ها و نظامات اسلامی و تأمین مصالح عمومی مداخله و نظارت نمایند و جامعه رستگار را چنان جامعه‌ای می‌داند که این اصل در آن اجرا می‌شود و این اصل در دو عبارت کوتاه و پرمعنی خلاصه می‌شود: «امر به معروف و نهی از منکر».

در قرآن مجید می‌فرماید:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۱

«باید از شما گروهی باشند که به سوی خیر و نیکی دعوت کنند و امر به معروف و خوبی بنمایند و از منکر و کار زشت باز بدارند و ایشان همان رستگارانند».

و به قدری این اصل نظارت مردم بر اجرا قوانین بزرگ است که علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«مَا أَعْمَلُ الْبِرَّ كُلَّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنَفْتُهُ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ»^۲.

۱. آل عمران، ۱۰۴.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴ (ج ۴، ص ۸۹)؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۸۹. «تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا در جنب امر به معروف و نهی از منکر چیزی نیست جز به مانند انداختن آب دهان در دریای پهناور».

پایه دوازدهم، دعوت اسلام به صلح و سازش و گذشت و اغماض و عفو و مقابله کردن با بدی به نیکی و پاداش دادن سفاهت و جهالت به مهر و محبت و یاری و اعانت است در قرآن مجید می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً﴾؛

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگان در سازش وارد شوید».

و نیز می فرماید:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾؛^۲

«خوبی و بدی برابر نیستند. بدی را به آن‌طور که نیکوتر

است برگردان تا آن کسی که میان تو و او دشمنی است مثل

دوست خویشاوند گردد».

و پایه‌های دیگر راجع به عالم غیب و امور مالی و اقتصادی و سیاسی و اخلاقی و عفت عمومی و آداب و فضایل و تعاون و خیرخواهی و رعایت اعتدال در کارها و امور انسانی دیگر که همه از قرآن مجید و سیره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و سایر ائمه طاهرين علیهم السلام استفاده می شود و شایسته است که شخص مسلمان حداقل آیات مربوط به این پایه‌ها را که در هر مجمع انسانی عالی‌ترین اصول شمرده می شود حفظ نماید.

۱. بقره، ۲۰۸.

۲. فصلت، ۳۴.

۲. عظمت در اراده و تصمیم

دومین عظمت از عظمت‌های پیامبر اسلام ﷺ عظمت در اراده و تصمیم است انجام کارهای بزرگ و قیام و انقلاب محتاج به اراده قوی و عزم راسخ و تصمیم محکم و استوار است. هرچه کاری که شخص می‌خواهد انجام بدهد عظیم‌تر باشد تصمیم بزرگ‌تر و قوی‌تر می‌خواهد. بسیاری از مردم هستند که سخن از کار بزرگ و عمل خطیری به میان می‌آورند و به ظاهر خود را مصمم بر انجام آن کار نشان می‌دهند اما در وسط کار تطمیعات مالی و یا شهوانی یا جاه و مقام یا تهدیدات و سختی‌ها و دشواری‌ها و مصائب آنها را از کار منصرف و تصمیم‌شان را ضعیف و باطل می‌نماید.

پیغمبر اسلام ﷺ به حق در میان مردان بزرگ تاریخ در تصمیم، عظیم و یگانه بود. وقتی مأموریت رسالت جهانی در غار حرا به عهده او واگذار شد، وقتی مبارزه با تمام گردن‌کشان و استثمارگران دنیا و مذاهب باطله و منسوخه و عادات سخیفه و زورمندان وحشی و غارت‌گران و آدم‌کشان و الغای رسوم شرک و بت‌پرستی از جانب خدای جهان به او پیشنهاد شد بدون درنگ پذیرفت و از غار حرا برای انجام آن قیام و انقلاب بزرگ و تاریخی قدم بیرون گذارد و مأموریتی را که احدی جرئت اظهار آن را در برابر یک نفر نداشت مصممانه به دوش گرفت و در مکه مرکز بت‌ها و بت‌پرست‌ها و کسانی که فخر و

افتخارشان آدم‌کشی و قتل و غارت بود، اعلان کرد و بدون خوف و بیم فریاد:

«قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا»^۱

را بلند فرمود.^۲

در اینجا شخص باید تاریخ را مطالعه کند تا از زبان گویای آن، مصائب و دشواری‌ها و زحمات و رنج‌هایی را که به پیغمبر در راه اعلام عقیده توحید و ابلاغ احکام اسلام رسید، بشنود.

فشارها و رنج‌هایی که پیغمبر دید هر یک از آنها برای اینکه یک مرد مصمم را از کار خود باز دارد کافی بود؛ او را اذیت می‌کردند توهین می‌نمودند سنگ‌باران می‌کردند دروغگو و ساحر و مجنون می‌خواندند کسانی را که به او ایمان می‌آوردند مورد شکنجه و تعذیبات سخت قرار می‌دادند. سه سال او را و کسان و یارانش را در شعب ابی‌طالب

۱. «بگوئید خدایی جز خدای یکتا نیست تا رستگار شوید».

۲. ابن‌ابی‌شبیبه کوفی، المصنف، ج ۸، ص ۴۲۲؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۲، ص ۶۱۲؛ بیهقی، السنن الکبری، ج ۶، ص ۲۱؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب علیهم‌السلام، ج ۱، ص ۵۱؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۶، ص ۲۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۰۲؛ طارق محاربی نقل می‌کند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در بازار ذوالمجاز - که در دوره جاهلی هشت روز، در یک فرسنگی عرفات برپا می‌شده است - دیدم که روجامه‌ای بر تن داشت و می‌گفت: ای مردم! بگوئید پروردگاری جز خداوند نیست تا رستگار شوید. ابولهب هم پشت سر ایشان حرکت می‌کرد و بر او سنگ می‌زد آن‌چنان که پاشنه‌ها و ساق‌های او خون‌آلود شده بود و می‌گفت: ای مردم از او فرمان مبرید چون او دروغگو است.

که دره‌ای بود محصور ساخته و با آنها قطع رابطه کردند. ولی محمد ﷺ در تصمیم خود باقی ماند، متزلزل نشد؛ عقب نشست؛ به آینده اطمینان داشت و امیدوار و خوش‌بین بود که بر تمام این موانع و شدائد پیروز می‌شود. وقتی دیدند تهدید و شکنجه و قطع مواد خوراکی و قطع رابطه، کاری انجام نمی‌دهد و محمد ﷺ را در رسالتش سست نمی‌سازد از راه تطمیع جلو آمدند. به ابوطالب گفتند پیشنهاد می‌دهیم اگر محمد ﷺ مال می‌خواهد به قدری مال به او بدهیم که از همه ما ثروتمندتر شود و اگر زن زیبایی می‌خواهد زیباترین دوشیزگان را به ازدواج او در می‌آوریم و اگر ریاست و حکومت می‌خواهد او را بر خود حاکم و رئیس قرار می‌دهیم، خلاصه هر چه بخواهد در اختیار او می‌گذاریم و این انقلاب دینی و اجتماعی را که شروع کرده است تعقیب ننماید.

وقتی ابوطالب پیشنهاد آنها را به عرض برادرزاده عزیزش رساند و فراهم شدن تمام شئون دنیایی و لذائذ مادی را به او خبر داد و تاریخ را با این پیشنهاد بر سر دو راهی قرار داد چه جواب شنید؟ لحظه خطیری بود که هر کلمه‌ای بر زبان محمد ﷺ جاری می‌شد در سرنوشت تاریخ، اثر می‌گذاشت. اگر ابوطالب، جواب مثبت می‌شنید بت‌ها باقی می‌ماند و زنده‌به‌گور کردن دخترها ادامه می‌یافت، رباخواری، ظلم و ستم و استضعاف رژیم‌های فاسد و سلب حقوق

ضعفا، همه آزاد می‌شد و محمد ﷺ هم با گرفتن حق‌السکوت در خانه می‌نشست و به عیش و لذت‌رانی سرگرم می‌شد و از نظر سران بت پرست‌ها عزت و احترامش فوق‌العاده می‌گشت.

اما محمد ﷺ مأموریتش خدایی بود و تصمیمش آسمانی. او بدون تردید و بدون درنگ به عمویش فرمود: «اگر آفتاب را در دست راست من و ماه را در دست چپم بگذارند که از دعوت خود دست بردارم قبول نخواهم کرد».^۱

آری! دنیا و آنچه در آن است از زر و زیور و مال و ثروت و مقام و ریاست در چشم مرد حق و بنده حق پیشیزی ارزش ندارد و مرد خدا را فریب نمی‌دهد.

تاریخ زندگی پیغمبر اسلام ﷺ در همه حالات نمایشگر تصمیم و عزم راسخ و پایداری و استقامت او است.

در جنگ اُحُد که آن چشم‌زخم بزرگ به سپاه اسلام رسید محمد ﷺ فقط خدا را می‌خواند. در جنگ بدر که قریش و لشکر کفر با ساز و برگ و عِدّه و عُده کافی آمده بودند و به‌ظاهر برحسب قوای مادی فتح خود و شکست مسلمانان را قطعی می‌دانستند به درگاه خدا عرض می‌کرد:

۱. طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۶۷؛ ابن‌اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۶۴؛ ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۴، ص ۵۳ - ۵۴؛ ابن‌کنثر، البدایة و النهایه، ج ۳، ص ۶۲ - ۶۳.

«اللَّهُمَّ إِنَّ تُهْلِكَ هَذِهِ الْعِصَابَةَ مِنْ أَهْلِ الْإِسْلَامِ لَا تُعْبِدُنِي الْأَرْضُ»^۱

همه‌جا و در هر ایستگاه عظمت تصمیمش نمایان و درخشان بود و در هیچ کجا سست نشد.

۳. عظمت در زهد و بی‌اعتنایی به دنیا

در این عظمت، پیامبر گرامی اسلام ﷺ نمونه و یگانه و سرآمد تمام زهاد بود.

از نشانه‌های زهد آن حضرت این بود که در آن وقتی که در اوج عظمت ظاهری و قدرت مادی قرار گرفته بود با دست خود نعلین خود را می‌دوخت و لباس خود را وصله می‌کرد و از تجملات دنیا پرهیز داشت و اگر زیوری از زیورهای دنیا را در خانه می‌دید می‌فرمود: «آن را از نظر من پنهان کنید؛ مبادا که به دیدنش مشغول شوم و به یاد دنیا افتم»^۲.

بسیار اتفاق می‌افتاد که روزها و بلکه ماه می‌گذشت و در خانه آن حضرت غذایی طبخ نمی‌شد و فقرا و مستمندان را بر خودش و فاطمه عزیزش و حسن و حسینش مقدم می‌داشت.

۱. طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۱۳۴، ۱۴۹؛ ابن جوزی، المنتظم، ج ۳، ص ۱۱۳؛ ابن اثیر جزری، الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۲۵. «بار خدایا اگر این گروه از اهل اسلام را هلاک سازی، هیچ‌کس در روی زمین تو را نخواهد پرستید».

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰ (ج ۲، ص ۵۹ - ۶۰).

در آن عصر محروم‌ترین طبقات که از هر جهت حالشان تأسف‌انگیز بود و مورد استضعاف بودند و تحمیلات طاقت‌فرسا به آنها می‌شد غلامان و بردگان بودند که افتادگان اجتماع بودند. پیامبر عزیز اسلام ﷺ که رسالت و دعوتش در جهت کمک به آنها و آزاد کردن آنها و حفظ حقوقشان قرار داشت و در قرآن مجید درباره آنها به‌طور مؤکد سفارش شده و برنامه‌ای برای آزادی آنها مقرر شده است، در منظر خارجی و خوراک و پوشاک و نشست و برخاست مانند غلامان بود.^۱ غذایی از غذای غلامان خوردنی‌تر و لذیذتر نبود و لباسش از لباس آنها بهتر نبود و مانند آنها می‌نشست. پول و درهم ذخیره نمی‌فرمود آن قدر روی حصیر نشسته بود که بر بدنش اثر گذاشته بود.

پیغمبران دیگر مانند عیسی بن مریم ﷺ هم زاهد بودند. اما تفاوت عیسی مسیح ﷺ با پیغمبر اسلام ﷺ این است که عیسی ﷺ مال و مقامی در اختیار نداشت ولی پیغمبر اسلام ﷺ قبل از اینکه به رسالت مبعوث شود و در آغاز بعثت ثروت سرشار خدیجه ﷺ را در اختیار داشت و در سال‌های پایان عمر تمام شبه‌جزیره عربستان را؛ اما

۱. پیرامون تلاش جدی و پیگیر اسلام در جهت ارزش دادن به بردگان و آزادی هرچه بیشتر آنان می‌توان به آیات ذیل مراجعه نمود: بقره، ۱۷۷، ۲۲۱؛ نساء، ۲۵، ۹۲؛ توبه، ۶۰؛ نحل، ۷۱؛ نور، ۳۲-۳۳؛ روم، ۲۸؛ بلد، ۱۲-۱۳.

همچنان زاهد و بی‌اعتنا به دنیا بود. به جوع و گرسنگی عادت داشت و روزه بسیار می‌گرفت.

۴. عظمت در رعایت مساوات و برابری انسانی با مردم

در این عظمت پیغمبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ، یگانه معلّم مساوات و برابری بود علاوه بر آنکه به وسیله وحی الهی و آیات قرآن مجید برابری و مساوات انسان‌ها را اعلام داشت عملاً نیز آن را به مردم تعلیم داد.

مجالس او بالا و پایین نداشت و از چگونگی نشستن آن حضرت و اصحابش پیغمبر شناخته نمی‌شد تا کسی بگوید آن‌که مقدّم بر همه و بالای مجلس نشسته است پیغمبر است؛ یا اینکه اغنیا و اقویا به او نزدیک‌تر بنشینند. این حرف‌ها که هنوز هم در دنیای به اصطلاح متمدّن هوادار دارد در مجلس پیغمبر و مکتب تربیتی او وجود نداشت. فقیر و غنی و شاه و گدا همه از چشم پیغمبر یکسان بودند.

در جنگ بدر که مرکب و اسب و شتر مسلمان‌ها کم بود و مطابق نفرات مرکب نداشتند و مراکب را بین نفرات به‌طور متعادل تقسیم کردند به هر دو یا سه نفر یک مرکب رسید. که به تناوب سوار و پیاده شوند. از جمله به پیغمبر ﷺ و دو نفر دیگر که یک نفر از آنها علی رضی الله عنه بود یک مرکب رسید هر وقت نوبت پیاده رفتن پیغمبر رضی الله عنه و فرمانده کل قوا می‌شد علی رضی الله عنه و نفر دیگر می‌گفتند: یا رسول الله! شما سوار باشید؛ پیاده نشوید، ما پیاده می‌آییم. اما پیغمبر رضی الله عنه قبول

نمی فرمود و پیاده می شد و قریب به این مضمون می گفت: «نه شما از من در پیاده رفتن تواناترید و نه احتیاج من به اجر و ثواب و رحمت خدا از شما کمتر است».^۱

در یکی از غزوات و جنگ ها می خواستند گوسفندی را ذبح و طبخ نمایند هر کدام از اصحاب کاری را عهده دار شدند. پیغمبر ﷺ فرمود: «من هم هیزم جمع می کنم». گفتند: ما شما را از کار بی نیاز می سازیم. فرمود: «نمی خواهم بر شما امتیاز داشته باشم».^۲

می فرمود:

«كُلُّكُمْ لِأَدَمَ وَأَدَمٌ مِنْ تُرَابٍ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْفَاكُمُ
وَلَيْسَ لِعَرَبٍ عَلَى عَجْمِي فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى»^۳؛
«الْنَّاسُ سَوَاءٌ كَأَسْنَانِ الْمَشْطِ»^۴؛

همه مردم با هم برابرند؛ کسی را بر کسی برتری نیست.

۱. حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۲، ص ۹۱؛ بیهقی، دلائل النبوه، ج ۳، ص ۳۹؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۲، ص ۷۹ - ۸۰؛ مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۲، ص ۲۰۷.
۲. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۵۱-۲۵۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۷۳.
۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۴؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۲۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۵۰. «همه شما از آدم هستید و آدم از خاک است، گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست و نیست برای عرب فضیلت و برتری بر عجم مگر به پرهیزکاری».
۴. یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۱۰۰؛ قاضی عبدالجبار اسدآبادی، تثبیت دلائل النبوه، ج ۲، ص ۵۵۳. «مردمان مساوی اند مانند دندانه های شانه».

۵. عظمت در اصلاحات بنیادی اجتماعی

در تاریخ رهبران اصلاحات و انقلاب‌های بزرگ، احدی نیست که مانند پیغمبر اسلام ﷺ در مدتی کوتاه این همه انقلاب فکری و عملی و اجتماعی به وجود آورده باشد. منفلوطی می‌گوید: مردی خدمت رسول خدا ﷺ عرض کرد: یا رسول الله! ما نمی‌دانیم با چه زبانی از شما تقدیر و تشکر نماییم. شما بر ما حقوق و منتهای بزرگ دارید ما را از زیر بار سنگین عادات زشت و غل‌ها و زنجیرهایی که خود را به آن گرفتار کرده بودیم نجات دادی. سپس داستان دختر هفت‌ساله‌اش را که زنده‌به‌گور کرده بود به عرض رسانید و گفت: فراموش نمی‌کنم وقتی می‌خواستم دختر زیبا و شیرین‌زبانم را زنده‌به‌گور کنم و خاک بر رویش بریزم دامنم را گرفته بود و التماس می‌کرد و می‌گفت پدر چرا با من این‌گونه رفتار می‌کنی؟ اما هرچه گفت و التماس نمود و گریه و زاری کرد نتوانست مرا از آن عمل و جنایت بزرگ و ننگین باز دارد و من با دست خود، دختر شیرین‌زبان هفت‌ساله‌ام را زنده‌به‌گور کردم. تو ای پیغمبر! بر ما منتهای داری که ما را از این عادات پلید و غیر انسانی نجات دادی.

تولستوی می‌گوید: شک نیست که محمد از بزرگ‌ترین رجال و مردانی است که به اجتماع خدمات بزرگ کردند. همین قدر در فخر او بس است که امتی را به نور حق هدایت کرد و از خون‌ریزی و

زنده‌به‌گور کردن دختران و قربانی کردن انسان‌ها بازداشت و مردی مانند او سزاوار احترام و اکرام است.

پیغمبر ﷺ از دنیا نرفته بود که آیین بت‌پرستی در شبه‌جزیره عربستان از بین رفت و از بت‌ها اثری نماند و خداپرستی و نماز و روزه و زکات و سایر فرایض و برنامه‌های اسلام عملی شد و رباخواری موقوف گردید. می‌نوشی و می‌گساری که بسیار رواج داشت به محض نزول آیه تحریم خمر، متروک گردید و یک نفر لب به شراب نگذارد و قطره‌ای از آن یافت نمی‌شد. در روز اعلام تحریم خمر تمام خمره‌های شراب را خود مردم روی زمین ریختند. قماربازی موقوف شد. زنان و دختران عزت یافتند و به حقوق واقعی یک انسان نایل شدند. بردگان، احترام انسانی پیدا کردند، از ظلم و تحمیلات مصونیت یافتند و برنامه‌های آزادی آنها با سرعت شروع شد. معاملات و بازرگانی‌ها بر اساس صحیح قرار گرفت. از بی‌عفتی‌ها و ناپاکی‌ها و زنا و رفیق گرفتن‌های زن‌ها و کارهای نکوهیده دیگر اثری باقی نماند. تکبر و استبداد، ننگ و عار گشت و تواضع و فروتنی افتخار شد. قوانین و مقررات ارث و ازدواج و طلاق و جهاد و صلح و وصیت و هبه و رهن و مزارعه و مساقات و احیای موات و قضا و شهادت و غیره اجرا شد و دیگر حقوق مالی ایتام پایمال نمی‌شد. دیگر بانوان جزء متروکات مرد شمرده نشدند و با طلاق‌های مکرر و نامحدود و

رجوع‌های پی‌درپی بلا تکلیف و سرگردان نشدند. فقرا و زیردستان اجتماع در مجتمع انسانی اسلام در صف اغنیا قرار گرفتند و بلکه بر اساس صلاحیت و شایستگی بر اغنیا، امارت می‌یافتند.

شرح عظمت پیغمبر ﷺ در اصلاحات بنیادی اجتماعی و انقلاب بی‌توقف و هر زمان و هر مکانی اسلام، بسیار طولانی است و الحق که تاریخ، احدی از رجال اصلاح و انقلاب را در این همه رشته‌های گوناگون مادی و معنوی و روحی و جسمی و فردی و اجتماعی - در این مدت کوتاه - مانند آن حضرت موفق و پیروز، نشان نمی‌دهد.

۶. عظمت در تشریح قوانین و احکام و شرایع

در بین مشرّعیان بزرگ و قانونگذاران، توفیقی که نصیب پیغمبر اسلام ﷺ شد نصیب احدی نشده است.

علاوه بر آنکه قوانینی که قانونگذاران و مجالس بزرگ مقننه با آن‌همه عرض و طول وضع می‌نمایند جامع و کامل و خالی از عیوب و نواقص نیست و موسمی و موقت است و پس از مدت کوتاهی به تجدیدنظر و اصلاح و بلکه الغای آن محتاج می‌شوند قانونگذاری که بتواند در مدت بیست و سه سال با اشتغالات خطیر گوناگون - که هر یک برای اینکه تمام وقت شخص را بگیرد و او ضمن پرداختن به امور نماز، روزه، حج، دعا، معاملات، تجارت، اقتصاد، کشاورزی، دامداری، باغداری، همسررداری، فرزندداری، ارث، سیاست، داوری،

حلّ و فصل دعاوی و اختلافات، کیفر و مجازات و اخلاق و آداب حتی آداب غذا خوردن، لباس پوشیدن، خوابیدن، راه رفتن، نشستن، بیماری‌داری و بهداشت و احکام اموات و غیره با گفتار و عمل، هزاران هزار مواد جامع و کامل و قانون و برنامه زندگی به بشریت عرضه کند- غیر از پیغمبر اسلام ﷺ روی صفحه تاریخ و دنیا ظاهر نشده است. هرکس این موضوع را باور نمی‌کند می‌تواند شخصاً قوانین اسلام را بررسی نماید و می‌تواند به نتایج تحقیقات محققان منصف غیر مسلمان رجوع نماید.

اهمیت این موضوع وقتی بیشتر ظاهر می‌شود که به قانونگذاری‌ها و همکاری‌ها و همفکری‌ها و مطالعات و مباحثات دامنهداری که پیرامون یک ماده قانونی می‌شود و بالاخره به مجالس مقننه ارجاع می‌گردد و تحت شورها و بررسی واقع می‌شود توجه نماییم.

آیا این عظمت نیست که شخصی بدون مشاور و معاون و بدون سابقه مطالعات قانونی و دیدن دانشکده‌های حقوق و بدون سابقه بررسی‌های بهداشتی و اجتماعی و تجارب قضایی و مالی و غیره در تمام جهات و حقوق مردم، قوانینی عرضه بدارد که هنوز پس از چهارده قرن، زنده و انسانی‌ترین قانون اجتماع و اصول و مواد آن مورد تصدیق و حمایت حقوقدانان جهان و به عقیده اهل تحقیق و انصاف، یگانه راه حل مشکلات کنونی بشریت باشد؟

واقعا این عظمت حیرت‌انگیز است و دلیل بر روحی الهی و رسالتی آسمانی است.

۷. عظمت در علوم و معارف

اسلام، دین علم است؛ دین معارف است. یکی از عظمت‌های حضرت رسول اعظم ﷺ این است که معارفی که در قسمت الهیات و خدانشناسی و مبدأ و معاد و رشته‌های دیگر عرضه داشته استوارترین و منطقی‌ترین معارف است.

مسلم است که پیغمبر اسلام ﷺ درس‌نخوانده بود و اصلاً شبه‌جزیره عربستان محل درس نبود و اگر کسی هم می‌توانست چند کلمه‌ای بنویسد چیزی نبود و او را از علوم و معارف بهره‌مند نمی‌کرد؛ مانند میلیون‌ها افرادی که سواد خواندن و نوشتن دارند اما از حقایق و معارف بهره‌ای ندارند. این علمومی که از پیغمبر اسلام ﷺ ظاهر شده و در کتاب آسمانی او شرح و بیان گردیده است با سال‌ها تحصیل در دانشگاه‌های الهیات و تحقیق در رشته‌های مختلف فلسفه و حقوق و علوم فراهم نمی‌شود.

صحیح‌ترین و محکم‌ترین عقاید را در قسمت الهیات و فلسفه نظری و در قسمت اخلاق و حکمت عملی در اختیار بشر گذارد. و در رشته‌های مختلف علوم که بسیاری از آن سال‌ها و قرن‌ها بعد کشف و بر بشر معلوم شده مثل جنین‌شناسی، نبات‌شناسی، معرفت اعضا،

کیهان‌شناسی، عدد ستارگان، مسئله تسخیر فضا، طرز جلوگیری از بیماری‌های مسری و موجودات ذره‌بینی و... آن‌قدر در قرآن مجید و احادیث شریفه بیانات و مطالب ارزنده موجود است که شرحش را در کتاب‌هایی که دانشمندان مطلع در این موضوع نوشته‌اند باید خواند و بهتر این است که در این موضوع چون هرچه کلام را مبسوط کنیم باز هم مختصر گفته‌ایم به دو شعر حافظ شیرازی اکتفا می‌نماییم:

ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد

دل رمیده ما را انیس و مونس شد

نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت

به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد

در اینجا برای اینکه مقاله طولانی نشود سخن را کوتاه می‌کنیم و از بیان سایر نواحی عظمت رسول گرامی اسلام ﷺ مانند عظمت استقامت و شجاعت و تقوا و عبادت و صداقت و امانت و عفو و گذشت و خلق عظیم و معجزات آن حضرت و عظمت‌های قرآن مجید که معجزه جاودان و دلیل صحت نبوت تمام انبیا است صرف نظر می‌نماییم. در جایی که بیگانگان زبان به تعظیم و اعتراف بگشایند و شاعر دانشمند مسیحی در قصیده‌ای که در مدح پیغمبر اسلام ﷺ می‌سراید می‌گوید.

هدیه اول: درس‌هایی از عظمت حضرت خاتم الانبیا ﷺ / ۳۹

إِنِّي مَسِيحِي أَهْلَ مُحَمَّدَا وَأَرَاهُ فِي سَفَرِ الْعُلَا غُنُونَا

من مسیحی هستم و محمد را تجلیل می‌کنم و او را سرآغاز
کتاب علو و بلندی مقام می‌دانم.

و دکتر شبلی شمیل طبعی در قصیده‌ای که عظمت‌های آن حضرت
را ستوده است بگوید:

مِنْ دُونِهِ الْأَبْطَالُ فِي كُلِّ الْوَرَى مِنْ حَاضِرٍ أَوْ غَائِبٍ أَوْ آتٍ

تمام مردان بزرگ دنیا و قهرمانان گذشته و حال و آینده مقامشان
و شأنشان و شخصیتشان مادون مقام اعلای محمد است.

معلوم است که مسلمانان باید چقدر حق‌شناس زحمات و هدایت‌ها
و راهنمایی‌های آن حضرت باشند.

امید است در این عصر، مسلمانان آگاه و فداکار، خصوصاً نسل
جوان، رسالت اسلام را به مردم دنیا برسانند و تمام نقاط را به انوار
هدایت آن متصل سازند و اعصار طلایی ایمان و عمل را متعهدانه
تجدید نمایند.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

هدیه دوم



سیری در زندگی پیامبر اسلام ﷺ

و مواضع امام صادق علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ﴾^۱

در این بخش، به طور اختصار به موضوعات ذیل می‌پردازیم:

۱. زندگی حضرت رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

۲. موقف حساس و بلند علمی حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در تاریخ
علوم و معارف اسلام.

۳. فایده بزرگداشت روزهای تاریخی اسلامی و بعضی تذکرات
پیرامون موضوع اول زندگی رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

حضرت محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم در عام الفیل سال
۵۷۱ میلادی متولد و دنیا را به نور جمال خود منور و روشن ساخت.

۱. محمد، ۲. «و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و به آنچه بر
محمد نازل شده- و همه حق است و از سوی پروردگارشان- نیز ایمان آوردند، خداوند
گناهانشان را می‌بخشد و کارشان را اصلاح می‌کند».

۲. به‌عنوان تقدیم هدیه‌ای دیگر، حضور برادران و خواهران محترم مسلمان مقیم انگلیس.

زندگی آن حضرت را می‌توان در چهار فصل یا چهار قسمت مطالعه و بررسی کرد.

فصل اول: دوران رضاع و صباوت و کودکی

در این دوره چنانچه تواریخ معتبر شرح می‌دهند اموری از آن حضرت دیده می‌شد که نشانه آینده‌ای بزرگ و درخشان بود، و خیر و برکت در قبيله حلیمه که دایه و مرضعه آن حضرت بود ظاهر گشت. تا سن هشت سالگی کفالت و خدمتگزاری پیغمبر با جدش عبدالمطلب بود، پس از آن برحسب وصیت عبدالمطلب به عمویش ابوطالب واگذار شد، و ابوطالب تا زنده بود از خدمت و حمایت آن حضرت کوتاهی نکرد.

فصل دوم: دوران بعد از کودکی تا بعثت

در این دوره آن حضرت به اخلاق کریمه و عفت و پاکدامنی، تواضع، جود و بخشش، و بزرگواری و مخصوصاً صداقت و امانت معروف و مشهور شد تا حدی که او را محمد امین لقب دادند، و در هنگام اختلاف قبایل بزرگ عرب بر سر نصب حجرالاسود که نزدیک بود آتش جنگ بزرگی شعله‌ور شود همگان آن حضرت را به حکمیت و داوری قبول کردند، با تدبیر حضرت، آن اختلاف بزرگ مرتفع، و تمام قبایل راضی و خشنود شدند، در این دوره هرگز از آن حضرت کار لغو و شرکت در عمل لهوی دیده نشد. مردم را به ضیافت، و میهمانی دعوت می‌فرمود، و یتیمان را کفالت و پرستاری می‌کرد. به

بینوایان و درماندگان و افتادگان کمک می نمود و مظلومین را یاری می کرد و در حلف الفضول آن پیمان مقدسی که به ابتکار بنی هاشم مخصوصاً زبیر عموی پیغمبر برای جلوگیری از تجاوز و ظلم در خانه عبدالله بن جدعان بسته شد صمیمانه شرکت فرمود، و بعدها نیز آن پیمان و یاد آن همکاری را گرامی می داشت.^۱ در سن بیست و پنج

۱. پس از بازگشت قریش از جنگ «فجار» در ماه ذی القعدة، جمعی در خانه «عبدالله بن جدعان» بعد از شستن دستان خود در آب زمزم هم پیمان شدند که برای یاری هر ستمدیده در مکه و گرفتن حق وی اقدام کنند. هم پیمانان عبارت بودند از «بنی هاشم»، «بنی مطلب بن عبدمناف»، «بنی زهرة بن کلاب»، «بنی تیم بن مره» و «بنو اسد بن عبدالعزی». علت این پیمان این بود که مردی از زبید وارد «مکه» شد و متاعی در دست داشت. «عاص بن وائل» آن را خرید، ولی مبلغی را که متعهد شده بود در عوض آن بپردازد، نپرداخت. مشاجره میان آنان در گرفت، مرد زبیدی از احلاف (هم پیمانان) کمک خواست. احلاف را لعنة الدم می خواندند، زیرا هنگامی که هم پیمان شدند، دستان خود را در خون فرو بردند. آنان عبارت بودند از: عبدالدار، مخزوم، جمع، سهم و عدی بن کعب. احلاف از کمک به مرد زبیدی خودداری کردند و او را از خود راندند. زبیدی بر فراز کوه ابوقییس ایستاد و فریاد کمک خواهی سر داد. «زبیر بن عبدالمطلب» و عده ای دیگر در خانه «عبدالله بن جدعان» انجمن نمودند و باهم پیمان بسته و هم قسم شدند تا آنجا که امکانات موجود اجازه می دهد، حقوق مظلوم را از ستمگر بگیرند. بعد از اتمام مراسم به سوی «عاص بن وائل» آمده و متاع را از وی گرفته و به صاحبش بازگرداند. نام این پیمان حلف الفضول یعنی پیمان فضل ها گذاشته شد زیرا در گذشته میان «جرهمی ها» پیمانی به نام «حلف الفضول» وجود داشت و اساس آن دفاع از حقوق افتادگان بود. بنیان گذاران آن پیمان، کسانی بودند که نام همه آنان، از ماده «فضل» مشتق بوده است. نام های آنان عبارت بود از: «فضل بن فضاله»، «فضل بن الحارث» و «فضل بن وداعة» و چون پیمانی که «زبیر بن عبدالمطلب» و عده ای دیگر در خانه «عبدالله بن

جدعان» با هم بسته بودند از نظر هدف (دفاع از حقوق مظلوم) با «حلف الفضول» یکی بود، نام این اتحاد را نیز «پیمان فضول» نامیدند.

رسول گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این پیمان که حیات مظلومان را بیمه می‌کرد، شرکت نمود و درباره عظمت این پیمان، فرموده است: «در خانه عبدالله بن جدعان، شاهد پیمانی شدم که اگر حالا نیز (پس از بعثت) مرا به آن پیمان فرا خوانند، اجابت می‌کنم، یعنی حالا نیز به عهد و پیمان خود وفادارم». ابن هشام، السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۳۳ - ۱۳۴؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۷۰ - ۲۷۱؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۱۳۰؛ ج ۱۵، ص ۲۰۳ - ۲۰۵، ۲۰۵ - ۲۲۴ - ۲۲۶؛ ابن کثیر، السیرة النبویه، ج ۱، ص ۲۷۵ - ۲۶۱؛ همو، البداية و النهایه، ج ۲، ص ۳۵۵ - ۳۵۷؛ رک: پرتوی از عظمت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، تألیف نگارنده، ص ۲۱۰ - ۲۱۳.

پیمان فضول به قدری محکم و پابرجا بود که نسل آینده نیز خود را موظف می‌دید که به مفاد آن عمل نماید. گواه مطلب، جریانی است که در دوران فرمان‌داری «ولید بن عتبه بن ابی سفیان» برادرزاده معاویه که از طرف وی حکومت مدینه را بر عهده داشت، اتفاق افتاد. سالار شهیدان حضرت امام حسین بن علی عَلَيْهِمَا السَّلَام بر سر مالی با حاکم مدینه اختلاف پیدا نمود. ایشان برای درهم شکستن اساس ستم و آشنا ساختن دیگران به احقاق حق خود رو به فرماندار مدینه کرد و چنین گفت: به خدا سوگند، هرگاه بر من اجحاف کنی، دست به قبضه شمشیر می‌برم و در مسجد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌ایستم و مردم را به آن پیمانی که پدران و نیاکان آنها بنیان‌گذاران آن بودند، دعوت می‌نمایم. از آن میان، عبدالله بن زبیر برخاست و همین جمله را تکرار کرد و در ضمن افزود: همگی نهضت می‌کنیم و حق او را می‌گیریم و یا اینکه در این راه کشته می‌شویم. دعوت حسین بن علی عَلَيْهِمَا السَّلَام کم‌کم به گوش همه افراد غیور مانند «مسور بن مخرمه» و «عبدالرحمن بن عثمان» رسید، تمام لیبیک‌گویان به سوی امام عَلَيْهِمَا السَّلَام شتافتند و در نتیجه فرماندار از جریان وحشت کرده و دست از اجحاف برداشت. ابن هشام، السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۳۵ - ۱۳۴؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۲۲۶ - ۲۲۷.

هدیه دوم: سیری در زندگی پیامبر اسلام ﷺ و موافق امام صادق علیه السلام / ۴۷

سالگی با خدیجه رضی الله عنها که از بانوان سرشناس و دارای ثروت زیاد و به عقل و درایت موصوف بود، و چهل سال از عمرش گذشته بود ازدواج کرد، و اموال و ثروت بسیار او را که صادقانه تحت اختیار آن حضرت گذارد در راه رفاه مردم، و دستگیری از ضعفا، و فقیران انفاق کرد و با آن ثروت سرشار دلش به تجمل و خوشگذرانی مایل نشد.

فصل سوم: از بعثت تا هجرت به مدینه

در این دوره به رسالت از جانب خدای یگانه به سوی بشریت مبعوث و برانگیخته شد و بزرگ‌ترین و سنگین‌ترین مسئولیت‌ها را به عهده گرفت و با ندای «قولوا لا اله الا الله فتلحوا» دعوت خود را آغاز فرمود و بطلان رسوم شرک و بت‌پرستی و عادات باطله و تبعیضات گوناگون و استثمار و استعباد و استضعاف را اعلان کرد.

مدتی گذشت و پیغمبر صلی الله علیه و آله در میان استهزا و اذیت و آزار قوم به دعوت می‌پرداخت و جز علی بن ابی طالب رضی الله عنه - که سنش در ابتدای بعثت از ده سال بیشتر نبود - و نیز همسر باوفا و خردمندش - که با روشن‌بینی خاص و سوابق درخشانی که از اخلاق کریمه پیغمبر صلی الله علیه و آله داشت حقیقت دعوت و آسمانی بودن رسالت شوهر گرامی‌اش را درک می‌کرد - امتی نداشت؛ اما پیغمبر صلی الله علیه و آله مصرانه با پشتکار عجیب دعوت را تعقیب می‌فرمود.

علی رضی الله عنه و خدیجه رضی الله عنها او را یاری می‌کردند علی رضی الله عنه در خارج خانه و خدیجه رضی الله عنها در داخل خانه.^۱

در اینجا دو حکایت تاریخی از آغاز دعوت که از آنها هم استقامت و پایداری پیغمبر معلوم می‌شود و هم ریشه و سابقه مذهب تشیع که اسلام خالص است نشان داده می‌شود به عرض می‌رسد:

حکایت اول: عقیف کنندی (قریب به این مضمون) می‌گوید: سالی برای تجارت و بازرگانی به مکه رفتیم. با عباس عموی پیغمبر صلی الله علیه و آله روابط تجاری داشتیم. در مسجدالحرام بودیم که هنگام زوال آفتاب، مردی را دیدم. آمد و نگاهی به آفتاب کرد و ایستاد. پسری در طرف راست او و زنی هم پشت سرش ایستاد، و برنامه‌ای [عبادی] انجام دادند. من تعجب کردم. از عباس پرسیدم: این چه برنامه بی سابقه‌ای است که من تاکنون در اینجا ندیده بودم؟ گفت: آن مرد، برادرزاده من محمد است و آن پسر، برادرزاده دیگرم علی بن ابی طالب است. آن زن، خدیجه همسر محمد است؛ محمد خود را پیغمبر و فرستاده خدا می‌داند و غیر از این دو نفر هم امتی ندارد.

عقیف کنندی که سال‌ها بعد اسلام آورد تأسف می‌خورد و می‌گفت: کاش همان وقت ایمان آورده بودم و سوّمین نفر مؤمنین به پیغمبر بودم.^۲

۱. راجع به خدیجه رضی الله عنها و نقش او در اعلاّی کلمه اسلام مراجعه شود به کتاب *رمضان در تاریخ*، تألیف نگارنده.

۲. ابن سعد، *الطبقات الكبرى*، ج ۸، ص ۱۷ - ۱۸؛ ابن عبدالبر، *الاستیعاب*، ج ۳، ص ۱۲۴۳؛ ابن اثیر جزری، *اسدالغابه*، ج ۳، ص ۴۱۴ - ۴۱۵؛ ابن حجر عسقلانی، *الاصابه*، ج ۴، ص ۴۲۵ - ۴۲۶.

حکایت دوم: در سال سوّم بعثت آیه: ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾^۱ نازل گردید و پیغمبر ﷺ مأمور شد خویشاوندان خود را به اسلام، دعوت کند. چهل نفر از خویشاوندانش را به میهمانی دعوت کرد و به علی علیه السلام دستور داد غذایی فراهم نماید. علی علیه السلام شیر و گوشتی که یک نفر یا سه نفر را بیشتر سیر نمی کرد فراهم نمود. ولی همه آن چهل تن را سیر و سیراب ساخت و پیغمبر ﷺ به آنها ابلاغ کرد که من از جانب خدا پیغمبرم و مأمورم شما را دعوت کنم؛ هر کدام از شما در ایمان به من پیشی بگیرد و مرا یاری کند وزیر و خلیفه من خواهد بود. کسی جواب نداد و بعضی سخنان ناروا و درشت گفتند؛ فقط از میان آن جمع، علی علیه السلام برخاست و گفت: «من مؤمنم و من تو را یاری می کنم». و دست در دست پیغمبر ﷺ گذارد و سه بار این ابلاغ را پیغمبر ﷺ تکرار کرد و در هر سه بار غیر از علی علیه السلام کسی به پیغمبر ﷺ جواب مثبت نداد و پیغمبر ﷺ دست در دست علی علیه السلام گذارد و فرمود: «تو وزیر من و خلیفه من هستی». میهمانان متفرق شدند، و به ابوطالب که در این مراسم پسرش خلیفه محمد ﷺ شد می خندیدند.

آری! برای آنها باورکردنی نبود که این دعوت جلو برود و محمد ﷺ با یاری و همکاری علی علیه السلام در این دعوت جهانی موفق گردد ولی خدا بر هر کاری قادر و توانا است. این واقعه تاریخی را که

۱. شعراء، ۲۱۴. «و خویشاوندان نزدیک را انداز کن».

متضمن اعلام خلافت علی عليه السلام است بسیاری از مورخین معروف مانند طبری^۱ و از معاصرین جوده السخّاره، و محمد حسین هیکل، و حتی کارلایل مسیحی انگلیسی در کتاب قهرمانان نقل کرده‌اند.

در این دوره، پیغمبر صلی الله علیه و آله و کسانی که به آن حضرت ایمان می‌آوردند سخت مورد اذیت و آزار نادانان و سفها و حسودان و آنان که دعوت اسلام را مضرّ به منافع شخصی و جاه‌پرستی خود می‌دانستند قرار گرفتند، و با شکنجه‌ها و تعذیبات بدنی شدید، گروندگان به حق را شکنجه و تعذیب می‌کردند، سه سال بنی‌هاشم، و مؤمنین به محمد صلی الله علیه و آله را در شعب ابی‌طالب محصور و با آنها قطع رابطه کردند و فروش نان و آرد و اشیای دیگر را به آنها ممنوع ساختند. در این مدت سه سال صبر و امتحان مسلمانان شدید شد، و از تنگدستی و گرسنگی سخت در فشار افتادند، و ابوطالب آن حامی مخلص و مؤمن واقعی پیغمبر به زحمت می‌توانست به‌وسیله بعضی دوستانش به‌طور محرمانه به مقداری که این گروه تلف نشوند اندکی آرد و طعام فراهم کند.

شب‌ها فرزند دل‌بندش علی عليه السلام را در بستر پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌خواباند،

۱. طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۶۲ - ۶۴؛ ابن مردویه اصفهانی، مناقب علی بن ابی‌طالب عليه السلام، ص ۲۸۷ - ۲۹۱؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۲، ص ۴۷ - ۴۸؛ طبرسی، اعلام‌الوری، ج ۱، ص ۳۲۲ - ۳۲۳؛ ابن‌اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۶۲؛ ابن‌کثیر، البدایة و النهایة، ج ۳، ص ۳۹؛ حلبی، السیرة‌الحلبیه، ج ۱، ص ۴۰۶.

مبادا که به آن حضرت سوء قصدی شود تا آنکه دوران محصوریت در شعب نیز به اذن خدا تمام شد، و بعضی از قریش با پیمان قطع رابطه مخالفت کردند، و پیمان‌نامه آنها نیز به وضع معجزه‌آمیزی از بین رفت، و پیغمبر ﷺ به وحی خدا از آن خبر داد.

در این دوره سوره‌های مکی قرآن که مشتمل بر وعد و وعید و بشارت و انذار و دعوت به روش عقاید حق از مبدأ و معاد، و اخبار و سرگذشت انبیای گذشته و مطالب مهم دیگر بود نازل شد، و در این دوره بود که دو حامی بزرگ پیغمبر ﷺ جناب ابوطالب^۱ و ام‌المؤمنین خدیجه علیها السلام از دنیا رحلت کردند و سال وفات آنها عام‌الاحزان نامیده شد، و رسول خدا ﷺ در اثر فوت ابوطالب ناچار به هجرت به طائف شد که در آنجا نیز بت‌پرست‌ها کارشکنی کرده و حضرت را سنگ‌باران نمودند، و پس از اسلام عداس مسیحی به شرحی که در تواریخ است^۲ به مکه مراجعت کردند و خداوند متعال، مقدمات دوران چهارم زندگی پیغمبر ﷺ را فراهم ساخت.

۱. راجع به ایمان ابوطالب و خدمات بزرگ او مراجعه شود به کتاب *رمضان در تاریخ*، تألیف نگارنده.

۲. ابن هشام، *السیرة النبویه*، ج ۱، ص ۴۱۹-۲۱؛ بیهقی، *دلائل النبوه*، ج ۱، ص ۴۱۵-۴۱۶؛ ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۳، ص ۱۴؛ ابن اثیر جزری، *الکامل فی التاریخ*، ج ۲، ص ۹۲؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۱، ص ۲۸۳؛ ابن حجر عسقلانی، *الإصابة*، ج ۴، ص ۳۸۵-۳۸۶؛ مقریزی، *إمتاع الأسماع*، ج ۸، ص ۳۰۷؛ حلبی، *السیرة الحلبیه*، ج ۱، ص ۵۰۰؛

فصل چهارم: از هجرت تا وفات

صدای دعوت پیغمبر ﷺ در جزیره العرب پیچید و مردمان متفکر و اندیشمند به آن مایل شدند و روزبه روز علی رغم کارشکنی های سران بت پرستان و ابوجهل ها و ابوسفیان ها دعوت اسلام در قلوب وارد می شد، و مردمی که از آن می گریختند به آن مایل می شدند، و روزبه روز بر وسعت دایره اسلام افزون می گشت. و بالاخره با آمدن سران یثرب که به نام مدینه الرسول و مدینه معروف شد خدا مقدمات هجرت پیغمبر ﷺ را به مدینه فراهم کرد. و آن حضرت در وقتی که مشرکین و دشمنان اسلام، تصمیم قطعی گرفته بودند که با یک هجوم عمومی آن حضرت را بکشند در شبی که بنا بود این تصمیم عملی شود به امر خدا علی علیه السلام را در بستر خود خواباند و از مکه به مدینه هجرت فرمود، و علی علیه السلام شجاعانه، و فداکارانه در جای پیغمبر ﷺ خوابید و در شأن او این آیه نازل شد:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾^۱

در این دوره، حکومت اسلامی به زمامداری شخص پیغمبر ﷺ تأسیس شد، ایشان به پادشاهان بزرگ نامه نوشت و آنها را به اسلام دعوت کرد، و بیشتر احکام مربوط به اداره اجتماع و سیاست، و امور

۱. بقره، ۲۰۷. «بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی علیه السلام در «لیلة المیت» به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر ﷺ)، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند».

مالی، و نظام جهاد و دادگستری و امر به معروف و نهی از منکر و قوانین عائله و زناشویی و ازدواج و طلاق و حدود و روزه ماه رمضان و تحریم ربا و شراب و قمار و ازدواج با محارم و دستورات اخلاقی و انسانی و غیره در ضمن اشتغالات عمده و بزرگی که پیغمبر داشت نازل گردید و ابلاغ و اجرا شد و در این دوره حدود و شخصیت اسلامی جامعه اسلامی مشخص گردید، برادری و اخوت اسلامی پی‌ریزی و برقرار شد، عالی‌ترین نظام مالی و اجتماعی و سیاسی که در همه جای دنیا بی‌سابقه بود به وجود آمد، رژیم‌های استبدادی و استضعاف و حکومت فردی و بشرپرستی محکوم شد و جهاد با کفار نه به منظور فتح شهرها و کشورگشایی بلکه به منظور آزاد کردن ملل از یوغ حکومت‌های استعمارگر و اعلان حقوق بشر و مساوات همگانی و تأسیس حکومت جهانی اسلام آغاز شد. پیغمبر ﷺ در تمام غزوات، شرکت می‌فرمود، و رهبری و فرماندهی قوا را شخصاً به عهده می‌گرفت، و در سریه‌ها که خود شرکت نداشت یک نفر را به فرماندهی معین می‌کرد. غزوه بدر که با آن قوت و قدرت ایمان مسلمانان ظاهر گردید^۱ و غزوه احد و احزاب از غزوات مهم و معروف این دوره است؛ در این غزوات بسیاری از مسلمانان از بوته

۱. راجع به فلسفه جهاد و اسرار آن و غزوه بدر مراجع شود به کتاب *رمضان در تاریخ*، تألیف نگارنده.

امتحان، پاک و بی‌غل و غش بیرون آمدند، و نشان دادند که می‌توانند با فداکاری، رسالت اسلام را به عالمیان برسانند و بزرگ‌ترین سرباز فداکار این جنگ‌ها که فتح مسلمین در هر جنگ از برکت فداکاری و جانبازی او بود علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام بود که در غزوه بدر یک‌تنه از تمام سپاه اسلام مجاهدات و فداکاری‌هایش بیشتر شد و بیشتر تلفاتی که به سپاه دشمن رسید به دست او انجام شد. در جنگ احد نیز علی علیه‌السلام بود که فداکارانه ایستاد و استقامت کرد، تا کسانی که گریخته بودند برگشتند، و در جنگ احزاب بود که پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

«ضَرْبَةُ عَلِيٍّ يَوْمَ الْخُنْدُقِ أَفْضَلُ مِنْ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۱

در این دوره، مقررات اسلامی اجرا شد، نماز جمعه و جماعت رسماً و با شرکت عموم مسلمانان برقرار می‌گشت و مسجد قبا و مدینه ساخته شد، و در این دوره بود که مکه فتح شد و در سراسر شبه جزیره عربستان حکومت حق و عدالت اسلام استقرار یافت، و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در

۱. قندوزی، ینابیع‌الموده، ج ۱، ص ۴۱۲. «ضربه علی در روز خندق برتر از اعمال امت من است تا روز قیامت!».

توضیح: این مضمون با عبارات دیگری در کتب بزرگان شیعه و سنی نقل شده است. مثلاً آمده است: «لَمُبَارَزَةُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لِعُمُرِو بْنِ عَبْدِ وَدٍّ يَوْمَ الْخُنْدُقِ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِ أُمَّتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۳۲؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۱۹؛ حاکم حسکانی، شواهدالتنزیل، ج ۲، ص ۱۴؛ خوارزمی، المناقب، ص ۱۰۷، ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۲ ص ۳۲۷.

حجّة الوداع مناسک آموزنده حج را به مردم تعلیم فرمود، و در آن خطبه تاریخی، امتیازات نژادی و ملی را الغا کرد و در غدیر خم به امر خدا علی علیه السلام را به ولایت و جانشینی خود منصوب و معین فرمود.

حوادث این ادوار چهارگانه حیات پیغمبر ﷺ به طور مفصل در تواریخ بزرگ و مبسوط شرح داده شده است که دقت در آن، انسان را به حقیقت اسلام آگاه، و در برابر شخصیت رسول اعظم ﷺ، خاضع می سازد.

پیغمبر ﷺ در مدت بیست و سه سال دوران رسالت کارهای بزرگی انجام داد که هر کدام به قول گوستاولوبون فرانسوی اگر امکانات فراهم باشد، و شخص رهبر از هر جهت صالح باشد حداقل محتاج به یک قرن فرصت است.

عمر رسالت پیغمبر ﷺ کوتاه بود اما عرض آن بسیار عریض بود یعنی از جهت چگونگی و فایده و بهره برای انسانیت از بیست و سه میلیون عمر میلیون ها بشر بیشتر ارزش داشت.

آری! معیار ارزش عمر و زندگی بشر طول و درازمدتی آن نیست؛ معیار آن چگونگی گذشت عمر، و فایده آن برای جامعه است که بسا می شود در یک سال یا یک ماه یا یک روز و یک ساعت برای یک فرد انسان توفیقی حاصل شود که تمام ارزش زندگی هشتاد و نود ساله آن در ارزش همان یک روز و یک ساعت، خلاصه می شود.

از این جهت، تعیین ارزش عمر و خدمات پیغمبر ﷺ به بشریت، با

محاسبه عادی، ممکن نیست و واقعاً بیست و سه سال عمر رسالت آن حضرت از میلیون‌ها سال بیشتر ارزش دارد.

حتی برای روزهای زندگی آن حضرت نمی‌توان قیمت، معین کرد.

آن روزی که عقیده توحید را اعلان و شرک را باطل شمرد.

آن روزی که آیین صلح، صفا، برادری و برابری همگانی و حقوق

انسان را به عالم عرضه داشت.

آن روزی که بانوان را از آن وضع بسیار اسفناک و غیر انسانی نجات

داد و حقوق و ارزش‌های یک انسان کامل عیار به آنها اعطا کرد.

آن روزی که رسم زنده‌به‌گور کردن دختران و قربانی نمودن آنها را

الغا کرد.

آن روزی که تبعیضات نژادی و قبیله‌ای را لغو نمود و فرمود برای

سفیدپوست فضیلتی بر سیاه‌پوست نیست.

آن روزی که درضمن مقررات متعدد، آزادی بردگان و پایان دادن به

دوران برده‌فروشی را پیشنهاد کرد و رعایت حقوق انسانی آنها را

واجب فرمود.

آن روزی که رباخواری و استثمار فقرا و ضعفا را ممنوع ساخت.

آن روزی که قمار و شراب را تحریم کرد.

آن روزی که قانون تعاون عمومی و همکاری‌های انسانی را در

خدمت به بشریت اعلام نمود.

آن روزی که احسان به پدر و مادر و احترام و رعایت حقوق آنها را با مؤکدترین و لطیف‌ترین بیانات واجب گردانید.

آن روزی که صله رحم و رعایت حق خویشاوند و همسایه را به مردم ابلاغ کرد.

آن روزی که تحصیل علم و دانش و فراگرفتن صنایع را وظیفه همگان قرار داد و احترام به معلم و استاد و دانشمندان را توصیه فرمود.

آن روزی که به عدل و داد فرمان داد و عالی‌ترین موازین علمی و قضایی و دادگستری و استوارترین نظام حقوقی را به بشر تعلیم فرمود، و از خون‌ریزی و آدم‌گشی و تجاوز به حقوق دیگران و ظلم و ستم اکیداً منع کرد.

خلاصه، برای روزها و ساعات مختلف درخشان زندگی پیغمبر ﷺ که هر یک از جهتی درخشنده‌گی دارد نمی‌توان قیمت معین کرد و خدمات او را با خدمات خدمت‌گزاران دیگر نمی‌توان مقایسه کرد. به تصدیق برخی فلاسفه، بزرگ‌ترین عمل ممکن برای خدمات بشر تا این زمان، قرآن و خدمات محمد ﷺ است؛ به‌طور مثال، نمونه کوچکی را عرض می‌کنم.

حکومت آمریکا زمانی که می‌خواست می‌گساری را منع کند چهارده سال شدیدترین مبارزات را انجام داد، و بیش از شصت میلیون دلار صرف تبلیغات نمود و صفحات مطبوعاتی که در زیان‌های شراب

انتشار داد به ده میلیون رسید، و دویست و پنجاه میلیون دلار برای اجرای قانون منع مسکرات صرف کرد و سه هزار نفر را اعدام و پانصد و سی و دو هزار و سیصد و سی و پنج نفر را زندانی و شانزده میلیون دلار جریمه گرفت، و بیش از چهارصد میلیون دلار اموال را مصادره کرد؛ با تمام اینها شکست خورد و دنبال کار را رها کرد اما پیغمبر اسلام ﷺ با قدرت قانون الهی تحریم شراب، چهارده قرن است که میلیاردها نفر از افراد بشر را از خسارت و زیان‌های شراب مصونیت بخشیده است.

موقف حساس و بلند علمی حضرت امام صادق علیه السلام

در این موضوع نیز باید راه اختصار را پیش بگیریم چون مشروح آن در یک سخنرانی و یک مقاله و ده و صد مقاله و سخنرانی هم امکان ندارد. اخیراً یکی از دانشمندان به نام استاد اسد حیدر کتابی پیرامون شخصیت امام جعفر صادق علیه السلام و علوم و فضایل آن حضرت نوشته است که تا جلد پنجم آن به نظر حقیر رسیده است، هم چنین دانشمندان دیگر مانند استاد ابوزهره استاد جامع الازهر در این موضوع، کتاب‌ها نوشته‌اند و در هزارها کتاب و مصادر و مآخذ اسلامی به مقامات بلند علمی، و آرای آن حضرت در رشته‌های مختلف علوم به‌طور تفصیل یا اجمال اشاره شده است.

امام جعفر صادق علیه السلام مدرسه‌ای افتتاح فرمود که تا آن عصر در اسلام بی‌سابقه بود، و پس از آن عصر نیز نظیر آن دیده نشد.

شاگردان آن حضرت، رشته‌های مختلف علم، مانند کلام، مناظره، الهیات، فقه، تفسیر، حدیث، ادب، علوم طبیعی، شیمی، منافع الاعضا و رشته‌های دیگر را از مکتب آن حضرت فرا می‌گرفتند. و این مکتب آن حضرت بود که بزرگ‌ترین علمای علوم قرآن و فقه و کلام و شیمی و غیره را به دنیا تحویل داد و افرادی مانند محمد بن مسلم، زراره، هشام، ابان بن تغلب، ابوحنیفه، مالک بن انس هم از شاگردان آن حضرت بودند. ابن‌عقده که از مشاهیر علمای اسلام است و در علم رجال، متبحر است چهار هزار نفر از شاگردان حضرت امام صادق علیه السلام را به نام در یک کتاب جمع‌آوری کرده، و از هر کدام در یک موضوع علمی و اسلامی از آن حضرت کلام و حدیثی نقل کرده است. وقتی در مسجد کوفه احصاء شد چهارصد نفر از آن حضرت نقل علم و حدیث می‌کردند.

کتاب *توحید مفضل*، و *رساله اهل‌بیت*، و مباحثات آن حضرت با رؤسا و سران زنداقه و ملاحده، و مادیین همه موجود است و اطلاع و علم وسیع آن حضرت را از طب و تشریح و خواص اشیاء ثابت می‌کند.

فقه شیعه که متضمن هزارها ماده قانونی و تعلیمی، و برنامه عملی و اخلاقی اسلام است در بیشتر و بلکه تقریباً در تمام موارد مدیون علوم بی‌پایان امام صادق علیه السلام است.

در مثل احکام حج که یکی از بزرگ‌ترین فرائض اسلام و متضمن فلسفه‌های عالی و باارج است دنیای اسلام از دریای علوم امام صادق علیه السلام مستفیض است و به قول ابوحنیفه همه عائله امام جعفر صادق‌اند،^۱ و حدیثی در صحیح مسلم از کتب اهل سنت از آن حضرت روایت شده است که مأخذ حدود چهارصد ماده راجع به احکام حج است^۲ که اهل سنت از آن پیروی می‌نمایند.

برای هرکس تاریخ را مطالعه کند قطع حاصل می‌شود که امام صادق علیه السلام از علوم غیب آگاه بوده است؛ حتی ابن‌خلدون که از فلاسفه مشهور و علمای علم‌الاجتماع است بااینکه به واسطه دوری منطقه و وضع سیاسی محیط از علوم و فضایل اهل بیت علیهم السلام اطلاع کافی نداشته است در فصلی که در کتاب خود راجع به امکان اطلاع بشر بر علم غیب بحث می‌کند از امام صادق علیه السلام نام می‌برد و می‌گوید (قریب به این مضمون): عجیب نیست شخصی مثل جعفر بن محمد با آن مقام و منزلت و صفای باطن از علم غیب با اطلاع باشد.^۳

منصور خلیفه عباسی بااینکه وجود امام جعفر صادق علیه السلام را منافی با مقاصد سیاسی خود می‌دانست و از توسعه مکتب آن حضرت

۱. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۱۹.

۲. مسلم نیشابوری، صحیح، ج ۴، ص ۳۸ - ۴۳.

۳. ابن‌خلدون، تاریخ «مقدمه»، ج ۱، ص ۳۳۴.

جلوگیری می‌کرد، بنا به نقل یعقوبی مورخ^۱، آن حضرت را عالم اهل بیت و از وارثان علم کتاب و برگزیدگان خدا و کسانی که خدا در این آیه یاد کرده است می‌دانست:

﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا﴾^۲.

نکته‌ای که در اینجا تذکرش لازم است این است که علت اینکه حضرت امام صادق علیه السلام در بین ائمه علیهم السلام در این حدّ موفق به نشر علوم اسلام و معارف قرآن گردید که حتی به این مناسبت مذهب شیعه که همان اسلام خالص است به نام آن حضرت معروف و جعفری نامیده شد این بود که اوضاع و احوال سیاسی زمان آن حضرت این فرصت را به ایشان داد؛ زیرا عصر آن حضرت، عصر ضعف بنی‌امیه و قیام مردم علیه حکومت آنها بود و حکومت بنی‌عباس هم اگرچه تأسیس شد اما در آغاز کار، قدرت اعمال سیاست روی مدارس و مجالس علمی و معارف اسلامی نداشت، و برای عشاق علمی و دانش‌پژوهان آزادی، فرصتی پیدا شد که بتوانند عمیقانه علوم اسلام را بررسی و مطالعه کنند؛ از این جهت از اطراف و اکناف برای کسب علم از حضرت امام صادق علیه السلام به آن حضرت روی آوردند و حضرت در این

۱. یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۳۸۳.

۲. فاطر، ۳۲. «سپس این کتاب (آسمانی) را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم».

فرصت توانستند معارف اسلام و حقایقی را که تا آن زمان مخفی مانده بود آشکار و در اختیار مردم بگذارند.

معذلک از سایر ائمه علیهم السلام نیز علوم بسیار و احادیث باقی مانده است و مثل **نهج البلاغه** و **صحیفه سجادیه** از ممتازترین ثروت‌های علمی اسلامی به‌شمار می‌رود.

فایده بزرگداشت روزهای تاریخی اسلام

و اما موضوع سوم یعنی فایده بزرگداشت روزهای تاریخی اسلام و بعضی تذکرات و بزرگداشت این روزها، علاوه بر آنکه تعظیم شعائر و اظهار حیات و وجود و شخصیت است و علاوه بر آنکه تجلیل و تقدیر و حق‌شناسی است، و فطرت بشر به آن مایل و علاقه‌مند است سبب معرفت و آشنایی به سوابق تاریخی و حقیقت دین و تعالیم اسلام می‌گردد و موجب می‌شود که مسلمانان در راه راست اسلام، ثابت بمانند و از زندگی رهبران دین، درس و سرمشق بگیرند؛ خدا را بشناسند و به خود ببالند و در برابر بیگانگان و آداب و رسوم آنها خودباخته نگردند، و با امیدواری به‌سوی جلو گام بردارند. برای پیشرفت اسلام، فعالانه بکوشند. بفهمند که اسلام دین ابدیت و جاودانی و جهانی است و آینده دنیا را اسلام اداره خواهد کرد و راهی بهتر از اسلام به بشریت عرضه نشده و نخواهد شد.

مسلمانان با بزرگداشت این روزها و تذکر تاریخ رجال اسلامی باید

هدیه دوم: سیری در زندگی پیامبر اسلام ﷺ و موافق امام صادق علیه السلام / ۶۳

به مسئولیت‌های بزرگی که دارند متوجه شوند که چرا ما از آن مسلمان‌های بااخلاص صدر اسلام و آن پاک‌مردان و پاک‌زنانی که آن‌همه فداکاری کردند درس نگیریم و در راه دین مجاهدت نکنیم؟

توصیه‌هایی به مسلمانان خارج از کشور

شما مسلمانانی که در انگلیس هستید امکاناتی دارید که مسلمانان عصر پیغمبر ﷺ و امام صادق علیه السلام نداشتند. شما می‌توانید تبلیغ کنید. نشریه انتشار دهید. اسلام را به دیگران و در بین خودتان بشناسانید.^۱ با هم همکاری کنید، و دین را یاری نمایید دیگران را به این جلسات دینی دعوت کنید و فرائض اسلامی را متعهدانه انجام دهید. از کمی جمعیت یا فراهم نبودن وسایل و امکاناتی که برای بیگانگان هست باک نداشته باشید؛ خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فَتْنَهُ كَثِيرَةً يَأْذِنُ اللَّهُ﴾^۲

مردها به علی علیه السلام و زن‌ها به خدیجه و فاطمه زهرا علیه السلام اقتدا کنند. تبلیغ اسلام و شرکت دادن دوستان خود را در جلسات دینی جزو برنامه کار خود قرار دهید. خداوند متعال شما را یاری می‌کند.

۱. اکنون خدا خواسته است و نعمتی و فرصتی در اختیار شما گذارده است؛ درب این مجمع اسلامی به روی شما باز است و از شما و برای شما است؛ مرد فداکاری — حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ عباس مصباح زاده — در اینجا آمده و به عشق خدمت به اسلام و خدمت به شما در اینجا اقامت گزیده و احساس مسئولیت کرده است.
۲. بقره، ۲۴۹. «چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند».

حقیر از اینکه در شما جنبش و جوشش و حرکت می‌بینم بسیار تقدیر می‌کنم و مثل این توفیقی را که در بعضی از شما از زن و مرد می‌بینم آرزو می‌کنم؛ فقط لشکر خدا و گروه خدا باشید؛ مبادا به خاطر سلیقه‌های شخصی در همکاری با یکدیگر سست و دلسرد شوید و از هم جدا گردید! این نکته مهم را هم متوجه باشید که پشتیبانی شما از اسلام و التزام شما به احکام اسلام در این منطقه سبب دلگرمی و قوت قلب مسلمانان کشورهای اسلامی می‌شود وقتی یک پسر یا دختر غرب‌زده ببیند آقا یا خانمی که سال‌ها در انگلستان بوده است مسلمان مانده است و رنگش عوض نشده و سنن اسلامی را حفظ کرده است او نیز از آنها سرمشق می‌گیرد.

اهل هر منطقه و هر کشور هستید برادرانه به هم دست اتحاد بدهید و نشان دهید که اسلام مرز ندارد و اسلام، مافوق زبان، نژاد، وطن و ملیت است و غیر از اسلام و خارج از دایره احکام و برنامه‌های آن چیزی نیست. همه را به خداوند متعال می‌سپارم.

﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا
رَبَّنَا غَفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مِنَ الْأَذْرَارِ﴾^۱

۱. آل عمران، ۱۹۳. «پروردگارا! ما صدای منادی (تو) را شنیدیم که به ایمان دعوت می‌کرد که: «به پروردگار خود، ایمان بیاورید!» و ما ایمان آوردیم؛ پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و بدی‌های ما را بپوشان! و ما را با نیکان (و در مسیر آنها) بمیران».

هدیه سوم

هدف‌های رسالت اسلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ
وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾^۱

موضوع سخن در این مقاله، هدف‌های رسالت اسلام است. هدف‌های رسالت اسلام که پیغمبر اکرم ﷺ برای حصول آن منتهای کوشش و مجاهده را فرمود و مسلمانان نیز باید در هر عصر و زمان برای حصول این هدف‌ها و تکمیل انقلاب مقدس اسلام همیشه قدم به پیش و ساعی و مصمم باشند هدف‌هایی است انسانی و بنیادی که نیاز بشریت به آنها روزبه‌روز ظاهرتر و پیشرفت علم و صنعت و ارتباطات، امکان حصول آنها را بیشتر کرده است. به‌طور اختصار به چند نمونه از این هدف‌ها اشاره می‌نماییم.

۱. ایمان به خدای یگانه

ایمان به خدای یکتای یگانه و آمرزنده و خطاب‌بخش و بخشنده و مهربان و کارساز و پوزش‌پذیر، خدایی که از هر چیز به انسان نزدیک‌تر

۱. فتح، ۲۸. «او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادیان پیروز کند و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد».

است و ارتباط با او در هر حال و در هر زمان و در هر مکان مستقیماً و بدون واسطه احدی آرام‌بخش روح و محکم‌ترین نقطه اتکا و اعتماد و عامل نشاط، امیدواری به آینده و خوش‌بینی و مانع از یأس و ناامیدی و اضطراب و افسردگی و انتحار و خودکشی، قوت‌دهنده قلب و تنظیم‌دهنده کار غرائز و احساسات و عواطف است. نقش سازنده ایمان به خدا در ساختن شخصیت انسان و پرورش اراده و رهبری اندیشه، مؤثرتر از نقش هر عالم سازنده و تربیتی دیگر است. ایمان در باطن انسان هم یک قوه برانگیزنده و جهش‌بخش و تحرک‌آور و موجد شوق و رغبت به کار و عمل و ترقی و تکامل است و هم قوه‌ای بازدارنده و کنترل‌کننده است که او را از سوء استفاده از غرائز و افراط و تفریط باز می‌دارد. تیرگی‌هایی که در اثر عوامل مادی و کار زیاد و ضعف و بیماری و غصه و اندوه، دل انسان را تاریک می‌سازد با ایمان و توجه به خدا برطرف می‌شود و با یاد خدا دل را روشن می‌کند.

ایمان به خدا به شخص، بینش و بصیرت می‌دهد و زندگی را با هدف و نتیجه معرفی می‌نماید و از سرگردانی و تحیری که یک نفر ملحد و خدانشناس دارد نجات می‌دهد.

در قرآن مجید آیات بسیاری راجع به ایمان و مؤمنین و اوصاف و نشانه‌های مردان مؤمن و زنان مؤمنه نازل شده است که بررسی و

دقت در معانی و مقاصد آنها شخص را به حقایقی ارزنده و عالی در این موضوع آشنا می‌سازد و قدر مسلم اینکه بدون ظهور آثار ایمان در اعمال و رفتار و سلوک انسان و بدون تعهد و التزام به عمل به شرایط و لوازم ایمان نباید انتظار داشت که ایمان اسمی، کاری را اصلاح نماید.^۱

۲. ایمان به پیغمبران خدا و نبوت

ایمان به پیغمبران خدا و نبوت آنها است؛ اسلام، نبوت همه پیغمبران خدا را تأیید کرده و از خدمات و کوشش‌های هر یک از آنان در راه هدایت انسان‌ها تقدیر کرده است و به پیروانش دستور می‌دهد که بگویند:

﴿آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ

۱. پیرامون نشانه‌های ایمان به آیات ذیل مراجعه نمایید: بقره، ۱۲۱؛ مائده، ۵۵، ۵۷، ۹۴؛ انعام، ۱۱۸؛ اعراف، ۱۵۷؛ انفال، ۱-۴، ۴۱؛ توبه، ۱۶-۱۸، ۴۴؛ یونس، ۸۴؛ مؤمنون، ۱۰۹؛ نور، ۵۱-۵۲؛ شعراء، ۲۲۷؛ نمل، ۸۱؛ سجده، ۱۵؛ فصلت، ۸؛ شوری، ۳۶؛ حجرات، ۱۵؛ حدید، ۲۸؛ مجادله، ۴؛ تغابن، ۱۳.

درباره لزوم و آثار همراهی ایمان و عمل، به آیات ذیل می‌توان مراجعه کرد: بقره، ۲۲۸؛ مائده، ۶۹، ۹۳؛ اعراف، ۴۲؛ رعد، ۲۹؛ کهف، ۸۸، ۱۰۷، ۱۱۰؛ انبیاء، ۹۴؛ حج، ۲۳؛ نور، ۵۵؛ عنکبوت، ۷، ۵۸؛ روم، ۱۵، ۴۵؛ لقمان، ۸؛ سجده، ۱۹؛ سبأ، ۳۷؛ ص، ۲۴، ۲۸؛ غافر، ۴۰؛ فصلت، ۸؛ شوری، ۲۲، ۲۶؛ جاثیه، ۲۱؛ محمد، ۲، ۱۲؛ تغابن، ۹؛ طلاق، ۱۱؛ بروج، ۱؛ تین، ۶؛ بینه، ۷.

وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ
النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ^۱

که خلاصه، مفادش این است که ما به خدا و آنچه بر خودمان به‌وسیله حضرت محمد ﷺ نازل شده و آنچه به تمام پیغمبران از ابراهیم و موسی و عیسی و دیگران نازل شده ایمان داریم و میان پیغمبران جدایی نمی‌اندازیم چون همه، مردم را به خدا می‌خواندند و از جانب خدا برای راهنمایی بشر مأموریت داشتند؛ نهایت این است که مکتب انبیا مانند مدرسه‌ای است که کلاس‌های متعدد داشته باشد به‌ترتیب و به‌تدریج افتتاح و تکمیل شده است تا به رسالت حضرت خاتم الانبیا ﷺ به آخرین مرتبه کمال رسید و پیامبری به وجود آن حضرت ختم و پایان یافت.

۳. ابلاغ و اجرای حقوق انسان

ابلاغ و اجرای حقوق انسان به‌طوری که افراد در شرایط متساوی دارای حقوق متساوی باشند و ثروتمند و فقیر، زورمند و بی‌زور،

۱. بقره، ۱۳۶. «ما به خدا ایمان آورده‌ایم و به آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران از فرزندان او نازل گردید، و (همچنین) آنچه به موسی و عیسی و پیامبران (دیگر) از طرف پروردگار داده شده است، و در میان هیچ‌یک از آنها جدایی قائل نمی‌شویم، و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم (و تعصبات نژادی و اغراض شخصی، سبب نمی‌شود که بعضی را بپذیریم و بعضی را رها کنیم)».

رئیس و مرئوس و تابع و متبوع، فرقی و امتیازی نداشته باشند و همه آزاد و بدون وحشت و نگرانی از کسی و مقامی زندگی کنند. در این جهت منشی و مجری حقیقی و واقعی حقوق بشر، اسلام و قرآن و حضرت رسول اکرم ﷺ است.

این امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه شاگرد یگانه مکتب پیغمبر ﷺ و وزیر و یار و یاور آن حضرت بود که در آن زمانی که به‌حسب ظاهر، زمامدار امور مسلمین بود می‌فرمود: «با من چنان‌که با سرکشان سخن می‌گویند سخن مگویید، و آنچه را در برابر مردم خشمگین پنهان می‌کنند از من پنهان مدارید، و با مدارا و چالپوسی با من معاشرت ننمایید، و گمان نکنید که شنیدن سخن حق بر من سنگین است، و مپندارید که تعظیم نابجای خود را از شما درخواست دارم، ... زیرا من و شما بندگانی در اختیار پروردگاری هستیم که جز او پروردگاری نیست»^۱.

و هم او بود که اجازه نمی‌داد درحالی‌که سوار بود کسی با او پیاده و در خدمت او باشد؛ می‌فرمود: «این برای زمامدار فتنه است؛ یعنی باد در بینی او می‌اندازد و او را از دیگران متوقع تواضع و احترام می‌نماید»^۲.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶ (ج ۳، ص ۲۰۱).

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۲۲ (ج ۴، ص ۷۷).

و هم او بود که برحسب منقول می فرمود: «هرکس می خواهد نگاه به مردی از اهل آتش کند نگاه کند به شخص نشسته‌ای که گروهی به احترام او ایستاده باشند».^۱

و هم علی علیه السلام بود که در عهدنامه مالک اشتر تمام حقوق انسان و روابط افراد را با حکومت به نحوی که دنیا هنوز هم به آن نرسیده است بیان فرمود.^۲

جورج جرداق مسیحی نویسنده کتاب *الامام علی صوت العدالة الانسانیة* در فصلی از این کتاب راجع به این عهدنامه بحث کرده است و مواد بیست و هشت‌گانه اعلامیه حقوق بشر را نوشته و در برابر هر ماده‌ای از آن جمله‌ای از این عهدنامه را راجع به آن ماده قرار داده است؛ سپس می‌گوید (قریب به این مضمون): این مواد اعلامیه حقوق بشر است و این تعلیمات و دستورات علی است که وقتی ملاحظه کنیم می‌بینیم جمله‌هایی که علی انشاء فرموده با توجه به این امتیازات کامل‌تر و تمام‌تر است:

۱. این اعلامیه را در عصر ما پس از اینکه دنیا چهارده قرن جلو آمده و حوادث مهم و پیشرفت علم و انقلاب بزرگ و تحولات عمیق در فکر بشر به وجود آورده است نوشته‌اند درحالی‌که علی علیه السلام در چهارده

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۰۶؛ همو، مرآةالعقول، ج ۱۰، ص ۱۹۸.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳ (ج ۳، ص ۸۲ - ۱۱۱).

قرن پیش این مواد را با رساترین بیان در اختیار بشر گذارد و این حقوق را اعلام کرد.

۲. این اعلامیه را پس از اینکه پیرامون مواد و حتی الفاظ آن، علمای بزرگ حقوق و متخصصان بررسی‌ها و مطالعات کردند و مجالس شور و تبادل نظر تشکیل دادند نوشتند ولی علی علیه السلام خودش بدون شور و مشورت با کسی و بدون مطالعه‌ای وقتی مالک را به استانداری مصر تعیین فرمود این عهدنامه را برای برنامه کار و تعیین حدود عمل اختیارات او مرقوم فرمود.

۳. کسانی که این اعلامیه را نوشتند و به دنیا اعلام کردند با تبلیغات رادیو و مطبوعات منت‌ها بر سر بشر گذاردند که ما این حقوق را به شما اعطا کردیم ولی علی علیه السلام به هیچ‌کسی منتی نگذارد و این حقوق را اعطایی خود نمی‌دانست؛ چه آنکه بشر به حکم خدا و هدایت اسلام این حقوق را دارا است.

۴. برقراری نظام اقتصادی سالم

از هدف‌های رسالت اسلام، برقراری معاش منظم برای همگان است. این کار در درجه اول با ایجاد و تهیه دیدن کار و شغل و در درجه بعد، با پرداخت حقوق و مخارج معاش از بیت‌المال عملی می‌گردد. شاید بعضی وقتی می‌شنوند یا می‌بینند که مثلاً در انگلستان به بیکاران

و کسانی که کار و شغلشان را از دست می دهند حقوق کافی می دهند تعجب کنند و بی اطلاع باشند که اسلام این قانون را از چهارده قرن پیش مقرر فرموده است و حکومت‌های اسلامی را موظف کرده است مخارج سالانه هر محتاجی را از بیت‌المال به‌طور مناسب و آبرومند بپردازد و این همان دستور اسلام است که جامعه مسلمانان معاصر به‌گونه‌ای باشد که همه بیکارها و محتاج‌ها در زیر پوشش آن زندگی کنند اما نوعاً به آن عمل نمی‌شود و بیگانگان به آن عمل می‌کنند و این همان چیزی است که علی ع از آن بر مسلمانان می‌ترسید و بیمناک بود و در وقتی که وصیت می‌فرمود مسلمانان را از آن بر حذر می‌داشت می‌فرمود:

«اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ»^۱

«بترسید از خدا! بترسید از خدا! در مورد قرآن مبادا که

دیگران در عمل به آن از شما پیشی گیرند».

ما امروز همان را که علی ع از آن می‌ترسید می‌بینیم؛ هر کار نیک و هر برنامه صحیح و منظمی که هر کجای دنیا باشد اسلام آن را کافی‌تر و جامع‌تر به بشریت عرضه کرده است؛ تمام عناصری که موجب زنده بودن و زنده ماندن قانون است به تصدیق دانشمندان در قوانین اسلام موجود است.

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۷ (ج ۳، ص ۷۷).

۵. همگانی کردن حق علم‌آموزی

همگانی کردن حق تحصیل علم و دانش و آن را از اختصاص طبقات به اصطلاح بالای اجتماع بیرون آوردن. اسلام به همه حق داد و همه را به علم و دانش و تفکر و تعقل و به کار انداختن نیروی فکر و اندیشه، تشویق فرمود و ارزش هرکس و هر جامعه را به مقدار بهره او از علم و دانش شناخت. پیش از اسلام، طبقات پایین اجتماع در کشورهای بزرگ از تحصیل، محروم بودند و اسلام همه را در کسب علم آزاد کرد؛ به طوری که بعد از اسلام یک نهضت بزرگ و وسیع علمی برپا شد و بیشتر علما و دانشمندان از طبقه پایین اجتماع برخاستند.

در اسلام، تحصیل علم و درس دادن شغل مقدّسی است که تا این اواخر، معلمان و اساتید از گرفتن حقوق در برابر تعلیم علم، ابا داشتند و عمل خود را شریف‌تر از آن می‌دانستند که با منافع مادی مبادله کنند و هم‌اکنون در حوزه‌های علمیه اسلامی شیعه همین برنامه برقرار است و تعلیم و تحصیل علم را به‌عنوان یک وظیفه مقدّس دینی انجام می‌دهند و آن را به پول و مزد مادی نمی‌فروشند.

البته بیت‌المال در صورت احتیاج این افراد باید تأمین معاش آنها را بنماید و ماهانه لازم را به آنها بدهد و این مسئله‌ای است که در هر

حال و نسبت به همه وظیفه بیت‌المال است و مسئله مزد گرفتن برای تعلیم و حق‌التدریس دریافت داشتن مسئله دیگر است.

۶. تهذیب عقل از خرافات

از هدف‌های اسلام پاک ساختن و تهذیب عقل و فکر بشر از خرافات و عقاید باطل و نامعقول و خردناپسند است که در این مورد، اسلام یگانه دینی است که پاک و منزّه از خرافات باقی مانده است و دینی است که دین حق را در هر عصر و زمان پاک و منزّه از خرافات معرفی کرده است.

دین ابراهیم و موسی و عیسی را هم به همان واقعیت معقول و خردپسندی که داشته‌اند معرفی کرده و از خرافات گوناگون یهودیت و مسیحیت کنونی تنزیه کرده است؛ شرح این مسئله محتاج به مطالعه کتاب‌هایی است که برای راهنمایی یهود و نصارا نوشته شده است. غرض این است که عقاید خرافی در گذشته و حال، افق فکر بشر را تاریک کرده است. در عصر ظهور اسلام، بت‌پرستی که مظهر بسیار منکر و زشت و ناهنجاری است و عقاید خرافی دیگر علاوه بر شبه‌جزیره عربستان، در کشورهای دیگر نیز رایج بود؛ به‌عنوان نمونه در مصر معتقد بودند که همه‌ساله برای وفور آب نیل باید دختری را که به نام عروس نیل نامیده می‌شد در نیل بیندازند و در وقت معینی

دختر زیبایی را انتخاب می‌کردند و پس از سه شبانه‌روز مراسم عروسی و تشریفات بزم و سرور، روز سوم دختر بیچاره را در آب می‌انداختند و غرق می‌کردند. توحید اسلام در ابعاد گسترده‌ای که دارد عقاید خرافی را از بین می‌برد و دین خالص و صحیح و موافق فطرت را به بشریت عرضه می‌کند.

۷. ایجاد جامعه جهانی

یکی دیگر از هدف‌های اسلام که دنیا به آن رو می‌رود به وجود آوردن یک جامعه جهانی و نظام واحد است که همه اقوام و ملل در آن بگنجد و برتری ملتی بر ملتی و استثمار قومی از قومی از بین برود. تمام ذخایر نعمت‌ها به‌طور عادلانه بین انسان‌ها توزیع شود و امکانات ترقی و پیشرفت برای همه به‌طور متساوی فراهم شود و تمام افراد بر اساس عضویت در یک جامعه بلکه یک خانواده با هم معامله و معاشرت و ارتباط مالی و اجتماعی و سیاسی پیدا کنند و چنانچه در قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾^۱

جهانیان، امت واحد شونند.

۱. انبیاء، ۹۲. «این (پیامبران بزرگ و پیروانشان) همه امت واحدی بودند (و پیرو یک هدف) و من پروردگار شما هستم پس مرا پرستش کنید!».

عقیده به توحید و یگانگی خدا، خودبهبود، این فکر جامعه جهانی را ایجاد می‌کند و اعتقاد به یکی بودن خدای همه، اصالت وجود جامعه متعدّد و تفرقه‌های موجود را طرد و نفی می‌نماید، لذا ملاحظه می‌شود که در انتخاب اسم اسلام برای این دین جهانی چه عنایت و لطفی به کار رفته است تا عنوان و اسمی باشد که به‌سوی تفرقه و اختلاف و انتساب به شخص یا طایفه یا ملّتی ندهد و به همه قابل تعلق باشد و لفظی باشد که مفهومش دین حق و حقیقت دین باشد.

۸. اقامه قسط و عدل

هدف دیگر، اقامه قسط و عدل و برقراری نظم عادلانه در بین مردم به‌وسیله قرار دادن امر مردم در پاک‌ترین دست‌ها و امین‌ترین افراد و انتخاب افراد عادل و صالح برای امور اجتماعی و کارهای مربوط به عموم است. اهمیت این مسئله وقتی معلوم می‌شود که شخص، برنامه امت و رهبری امت و همچنین برنامه قضاوت و دادگستری و سایر امور اجتماعی و مالی اسلامی را مطالعه کند و آیات و روایاتی را که در این امور، مسئولیت افراد را سخت شمرده‌اند به دقت بررسی نماید.

۹. تأمین سعادت دنیا و آخرت

تأمین سعادت دنیا و آخرت به‌وسیله تعالیم اعتقادی و اخلاقی و

عملی به‌طوری که همه افراد حتی ناقص‌الاعضا و ناتوان خود را سعادت‌مند بشناسند و بدانند که زندگی در صورت پیروی از برنامه‌های اسلامی، متضمن هیچ‌گونه خسارت و ضرر حقیقی نیست و اگر بعضی ضررها و زحمات دنیوی در اینجا تدارک نشود در آخرت همه جبران و تدارک می‌شود و بلاعوض نمی‌ماند و بالاخره خداوند متعال با هیچ‌کس به‌خلاف عدل رفتار نمی‌نماید. این عقیده از جنبه علمی و ایمانی شخص را خوش‌بین و راضی و خشنود می‌سازد که در این دنیا هرچه متاع بپسند چون چشمداشت به ثواب عقبی دارد با حُسن استقبال بپذیرد و از جنبه واقعی و خارجی آن هم معلوم است خوشبختی افراد صالح تأمین است.

۱۰. تأسیس مدینه فاضله انسانی

خلاصه و به‌طور کلی از مجموعه برنامه‌های اعتقادی و علمی و اخلاقی اسلام استفاده می‌شود که هدف اسلام، تأسیس یک مدینه فاضله انسانیت است که همه چیز در حدّ اعتدال و از افراط و تفریط بر کنار باشد و افرادش همه مانند عضو یک بدن، همکار و هم‌درد، و هرکدام به وظیفه خود عمل کنند و در اجرای حق و عدالت در بین خود نظارت نمایند. اسلام با هدف‌هایی که به برخی از آنها اشاره شد در صفحه تاریخ انسانیت جلوه کرد و به‌زودی پیشرفت نمود و دل‌ها

را فتح کرد و جوامع بزرگی که به علم و فضیلت اشتهاار یافتند برپا کرد و بزرگ‌ترین کتابخانه و مدرسه‌ها را به وجود آورد. نوابغ بزرگ علم و فلسفه را به دنیا تحویل داد و کشورهایی مانند ایران، پاکستان، هند، بنگلادش، اندونزی، تایلند، فیلیپین، مصر، اتیوپی، اریتره، سودان، الجزایر، مراکش، افغانستان، ترکیه، حجاز، یمن، سوریه، عراق، لیبی، فلسطین، لبنان، اردن، مسقط، عمان، سومالی، تانزانیای ساحل عاج، نیجریه، نیجریا، کویت، قفقاز، ترکستان، یوگسلاوی، آلبانی، مالزی، چین، تایوان و نقاط دیگر را زیر چتر هدایت و ارشاد خود گرفت و اگر سیاست جاه‌طلبانی که زمام امور را به دست گرفتند خصوصاً بنی‌امیه و بنی‌عباس، رژیم حکومتی اسلام را به ارتجاع نکشانده بود و ملل دنیا را مأیوس نساخته بودند اسلام در سراسر جهان استقرار یافته بود.

مع‌ذک و علی‌رغم ضدیت‌هایی که با اسلام می‌شود و تبلیغات دروغ و بی‌اساسی که علیه آن می‌شود و با اینکه در داخل قلمرو اسلام، جوامع متعددی که با روح اسلامی مخالف است به وجود آمده اما این دین همچنان زنده و استوار و برجا و برقرار است و برای اداره امور انسانیت برتر و جامع‌تر از آن نیست و زمینه یک بیداری کامل و گردهمایی دینی در مسلمانان موجود است و امیدواری به جوانان مسلمان خصوصاً طبقه تحصیل‌کرده که آینده اسلام به دست آنها

سپرده می‌شود باقی است. روزبه‌روز در دنیای معاصر قوت تعالیم اسلام و زنده بودن آن آشکارتر می‌شود و ثابت می‌گردد که این دین هرگز نخواهد مرد و همیشه جاودان و زنده و برقرار است.

ما مسلمان‌ها هستیم که از زن و مرد باید احساس مسئولیت کنیم و این دین را به دنیا عرضه بداریم. خودمان متعهدانه و ملتزمانه به آن عمل کنیم و دیگران را به آن تبلیغ نماییم.^۱

بدانید که از کارهای بسیار نیک و پسندیده که موجب رضای خداوند متعال می‌شود این است که انسان، شخص گمراهی را راهنمایی کند؛ از خدایبگانه‌ای را با خدا آشنا سازد و گنه‌کاری را به توبه و بازگشت به خدا تشویق نماید که حضرت رسول اکرم ﷺ به علی علیه السلام فرمود:

۱. آقایان و بانوان محترم! شرکت شما در این جشن که به‌عنوان بزرگداشت روز ولادت حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و حضرت امام صادق علیه السلام تشکیل شده مورد تقدیر و تشکر است و به همه خیر مقدم عرض می‌شود. اما تذکراً عرض می‌کنم به شرکت خودتان در این جلسات اکتفا نفرمایید؛ برادران و خواهران مسلمان و شیعه در این شهر و نواحی بسیاریند که هنوز توفیق شرکت در جلسات مذهبی مجمع اسلامی را حاصل نکرده‌اند؛ از آنها دعوت کنید در این جلسات حضور یابند تا این مجالس با شکوه‌تر برگزار شود و از نتایج معنوی و راهنمایی‌های اسلامی آن بهره‌مند شوند و در فضای دین و پایگاه ایمان و اخلاق و مرکز خداپرستی پرواز ملکوتی نموده و به معارج بلند روحانی و منازل قرب الهی نایل شوند.

«لَأَنَّ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ
الشَّمْسُ وَغَرَبَتْ»؛^۱

«اگر خدا یک نفر را به دست تو هدایت کند بهتر است برای
تو از تمام آنچه آفتاب بر آن طلوع و غروب کرده است».

خدا یار و مدد کار شما باد.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

لطف الله صافی

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۸؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۴۱.

كتاب نامه

١. قرآن كريم.
٢. نهج البلاغه، الامام على بن ابي طالب عليه السلام، الشريف الرضى، تحقيق و شرح محمد عبده، بيروت، دار المعرفة، ١٤١٢ق.
٣. الاستيعاب فى معرفة الاصحاب، ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله قرطبي (م. ٦٣٠ق.)، بيروت، دار الجيل، ١٤١٢ق.
٤. اسد الغابة فى معرفة الصحابه، ابن اثير جزرى، (م. ٦٣٠ق.)، بيروت، دار الكتاب العربى.
٥. الاصابة فى تمييز الصحابه، ابن حجر عسقلانى، احمد بن على (م. ٨٥٢ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٥ق.
٦. اعلام الورى باعلام الهدى، طبرسى، فضل بن حسن (م. ٥٤٨ق.)، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحياء التراث، ١٤١٧ق.
٧. امتاع الاسماع بما للنبي من الاحوال و الاموال و الحفدة و المتاع، مقرئزى، احمد بن على (م. ٨٤٥ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤٢٠ق.
٨. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار عليه السلام، مجلسى، محمداقفر، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٣ق.

۹. *البدایة و النهایة*، ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (م. ۷۷۴ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸ق.
۱۰. *پرتوی از عظمت امام حسین علیه السلام*، صافی گلپایگانی، لطف الله، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الشریف، ۱۳۹۴ش.
۱۱. *تاریخ ابن خلدون (مقدمه)*، ابن خلدون، عبدالرحمن (م. ۸۰۸ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۲. *تاریخ بغداد*، خطیب بغدادی، احمد بن علی (م. ۴۶۳ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
۱۳. *تاریخ مدینه دمشق*، ابن عساکر، علی بن حسن (م. ۵۷۱ق.)، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۱۴. *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*، ذهبی، محمد بن احمد (م. ۷۴۸ق.)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۵. *تاریخ الامم و الملوک*، طبری، محمد بن جریر (م. ۳۱۰ق.)، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۳ق.
۱۶. *تاریخ یعقوبی*، یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (م. ۲۹۲ق.)، قم، مؤسسه فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.
۱۷. *تشیت دلائل النبوه*، قاضی عبدالجبار اسدآبادی، عبدالجبار بن احمد (م. ۴۱۵ق.)، قاهرة، دار المصطفی.

۱۸. *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (م. قرن ۴)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۱۹. *تمدن اسلام و عرب*، لوبون، گوستاو (م. ۱۹۳۱م.)، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، بنگاه مطبوعاتی علی اکبر علمی، ۱۳۳۴ش.
۲۰. *تهذیب الاحکام*، طوسی، محمد بن حسن (م. ۴۶۰ق.)، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ش.
۲۱. *دلایل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعه*، بیهقی، احمد بن حسین (م. ۴۵۸ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
۲۲. *السنن الکبری*، بیهقی، احمد بن حسین (م. ۴۵۸ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
۲۳. *السیره النبویه*، ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (م. ۷۷۴ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۹۶ق.
۲۴. *السیره الحلبیه (انسان العیون فی سیره الامین المامون)*، حلبی، علی بن برهان (م. ۱۰۴۴ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق.
۲۵. *السیره النبویه*، ابن هشام، عبدالملک حمیری (م. ۲۱۳ق.)، بیروت، دار المعرفه.
۲۶. *شرح نهج البلاغه*، ابن ابی الحدید (م. ۶۵۶ق.)، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق.

٢٧. *شواهد التنزيل*، حاكم حسكاني، عبيدالله بن عبدالله (م. ٥٠٦ق.)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ١٤١١ق.
٢٨. *صحيح مسلم*، مسلم نيشابوري، مسلم بن حجاج (م. ٢٦١ق.)، بيروت، دار الفكر.
٢٩. *الطبقات الكبرى*، ابن سعد، محمد بن سعد (م. ٢٣٠ق.)، بيروت، دار صادر.
٣٠. *عيون اخبار الرضا* عليه السلام، صدوق، محمد بن علي (م. ٣٨١ق.)، تهران، انتشارات نشر جهان، ١٣٧٨ق.
٣١. *الكافي*، كليني، محمد بن يعقوب (م. ٣٢٩ق.)، تهران، دار الكتب الاسلامية، ١٣٦٣ق.
٣٢. *الكامل في التاريخ*، ابن اثير جزري، علي بن محمد (م. ٦٣٠ق.)، بيروت، دار صادر، ١٣٨٦ق.
٣٣. *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، هيثمى، علي بن ابي بكر (م. ١٠٧ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٨ق.
٣٤. *مرآة العقول في شرح اخبار آل الرسول* صلى الله عليه وآله، مجلسي، محمد باقر (م. ١١١١ق.)، تهران، دار الكتب الاسلامية، ١٤٠٤ق.
٣٥. *مروج الذهب و معادن الجواهر*، مسعودي، علي بن حسين (م. ٣٤٥ق.)، قم، دار الهجرة، ١٤٠٩ق.
٣٦. *المستدرک على الصحيحين*، حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله (م. ٤٠٥ق.)، بيروت، دار المعرفة.

۳۷. **المصنّف فی الاحادیث و الآثار**، ابن ابی شیبہ کوفی، عبدالله بن محمد (م. ۲۳۵ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
۳۸. **مکارم الاخلاق**، طبرسی، حسن بن فضل (م. ۵۵۴ق.)، الشریف الرضی، ۱۳۹۲ق.
۳۹. **من لا یحضره الفقیه**، صدوق، محمد بن علی (م. ۳۸۱ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴۰. **مناقب آل ابی طالب**، ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. ۵۸۸ق.)، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۷۶ق.
۴۱. **مناقب علی بن ابی طالب** علیه السلام، ابن مردویه اصفهانی، احمد بن موسی (م. ۴۱۰ق.)، قم، انتشارات دار الحدیث، ۱۴۲۴ق.
۴۲. **المناقب**، خوارزمی، موفق بن احمد (م. ۵۶۸ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۴۳. **المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک**، ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (م. ۵۹۷ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ق.
۴۴. **وسائل الشیعه**، حر عاملی، محمد بن حسن (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
۴۵. **ینابیع المودة لذوی القربی**، قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (م. ۱۲۹۴ق.)، دار الاسوة، ۱۴۱۶ق.

آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف

دریک نگاه

ردیف	نام کتاب	زبان	ترجمه
قرآن و تفسیر			
۱	تفسیر آیه فطرت	فارسی	—
۲	القرآن مصون عن التحریف	عربی	—
۳	تفسیر آیه التطهیر	عربی	—
۴	تفسیر آیه الانذار	عربی	—
۵	پیامهای قرآنی	فارسی	—
حدیث			
۶	منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر <small>علیه السلام</small> در ۳ جلد	عربی	اردو/انگلیسی / فارسی
۷	غیبةالمتنظر	عربی	—
۸	قبس من مناقب امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small> (مئة وعشر حدیث من کتب عامه)	عربی	—
۹	پرتوی از فضائل امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> در حدیث	فارسی	—

—	عربی	احادیث الائمة الاثني عشر، اسنادها والفاظها	۱۰
—	عربی	احادیث الفضائل	۱۱
فقه			
—	فارسی	توضیح المسائل	۱۲
—	فارسی	منتخب الاحکام	۱۳
انگلیسی	فارسی	احکام نوجوانان	۱۴
—	فارسی	جامع الاحکام در ۲ جلد	۱۵
—	فارسی	استفتانات قضایی	۱۶
—	فارسی	استفتانات پزشکی	۱۷
عربی	فارسی	مناسک حج	۱۸
عربی	فارسی	مناسک عمره مفرده	۱۹
—	فارسی	هزار سؤال پیرامون حج	۲۰
آذری	فارسی	پاسخ کوتاه به ۳۰۰ پرسش در ۲ جلد	۲۱
—	فارسی	احکام خمس	۲۲
—	فارسی	اعتبار قصد قربت در وقف	۲۳
—	فارسی	رساله در احکام ثانویه	۲۴
—	عربی	فقه الحج در ۴ جلد	۲۵
—	عربی	هدایة العباد در ۲ جلد	۲۶
—	عربی	هدایة السائل	۲۷
—	عربی	حواشی علی العروة الوثقی	۲۸

—	عربى	القول الفاخر فى صلاة المسافر	٢٩
—	عربى	فقه الخمس	٣٠
—	عربى	أوقات الصلوة	٣١
—	عربى	التعزير (احكامه وملحقاته)	٣٢
فارسى	عربى	ضرورة وجود الحكومة	٣٣
—	عربى	رسالة فى معاملات المستحدثة	٣٤
—	عربى	التداعى فى مال من دون بينة ولا يد	٣٥
—	عربى	رسالة فى المال المعين المشتبه ملكيته	٣٦
—	عربى	حكم نكول المدعى عليه عن اليمين	٣٧
—	عربى	ارث الزوجة	٣٨
—	عربى	مع الشيخ جاد الحق فى ارث العصبه	٣٩
—	عربى	حول ديات ظريف ابن ناصح	٤٠
—	عربى	بحث حول الاستسقام بالازلام (مشروعية الاستخارة)	٤١
—	عربى	الرسائل الخمس	٤٢
—	عربى	الشعائر الحسينية	٤٣
آذرى	—	آنچه هر مسلمان بايد بداند	٤٤
—	عربى	الرسائل الفقهية من فقه الاماميه	٤٥
—	عربى	الاتقان فى احكام الخلل والنقصان	٤٦
اصول فقه			

—	عربی	بیان الاصول در ۳ جلد	۴۷
—	عربی	رسالة فی الشهرة	۴۸
—	عربی	رسالة فی حکم الاقل والاكثر فی الشبهة الحکمیة	۴۹
—	عربی	رسالة فی الشروط	۵۰
عقاید و کلام			
—	فارسی	عرض دین	۵۱
—	فارسی	به سوی آفریدگار	۵۲
—	فارسی	الهیات در نهج البلاغه	۵۳
—	فارسی	معارف دین در ۳ جلد	۵۴
—	فارسی	پیرامون روز تاریخی غدیر	۵۵
—	فارسی	ندای اسلام از اروپا	۵۶
—	فارسی	صبح صادق	۵۷
—	فارسی	نگرشی بر فلسفه و عرفان	۵۸
—	فارسی	نیایش در عرفات	۵۹
—	فارسی	سفرنامه حج	۶۰
—	فارسی	شهید آگاه	۶۱
—	فارسی	امامت و مهدویت	۶۲
—	فارسی	نوید امن و امان/۱	۶۳
عربی	فارسی	فروغ ولایت در دعای ندبه/۲	۶۴
—	فارسی	ولایت تکوینی و ولایت تشریحی/۳	۶۵

—	فارسی	معرفت حجّت خدا/۴	۶۶
—	فارسی	عقیده نجات بخش/۵	۶۷
—	فارسی	نظام امامت و رهبری/۶	۶۸
عربی	فارسی	اصالت مهدویت/۷	۶۹
—	فارسی	پیرامون معرفت امام/۸	۷۰
آذری	فارسی	پاسخ به ده پرسش/۹	۷۱
—	فارسی	انتظار، عامل مقاومت و حرکت/۱۰	۷۲
—	فارسی	وابستگی جهان به امام زمان/۱۱	۷۳
—	فارسی	تجلی توحید در نظام امامت/۱۲	۷۴
—	فارسی	باورداشت مهدویت/۱۳	۷۵
انگلیسی	فارسی	به سوی دولت کریمه/۱۴	۷۶
عربی	فارسی	گفتمان مهدویت/۱۵	۷۷
—	فارسی	پیام‌های مهدوی/۱۶	۷۸
انگلیسی	فارسی	توضیحات پیرامون کتاب عقیده مهدویت در تشیع امامیه	۷۹
—	فارسی	گفتمان عاشورایی	۸۰
—	فارسی	مقالات کلامی	۸۱
—	فارسی	صراط مستقیم	۸۲
—	عربی	الی هدی کتاب الله	۸۳
—	عربی	ایران تسمع فتجیب	۸۴
—	عربی	رسالة حول عصمة الانبياء والائمة	۸۵

—	عربى	تعليقات على رسالة الجبر والقدر	٨٦
—	عربى	لمحات فى الكتاب والحديث والمذهب	٨٧
—	عربى	صوت الحق ودعوة الصدق	٨٨
—	عربى	رد اكدوبة خطبة الامام على <small>عليه السلام</small> ، على الزهراء <small>عليها السلام</small>	٨٩
اردو / فرانسسه	عربى	مع الخطيب فى خطوطه العريضة	٩٠
—	عربى	رسالة فى البداء	٩١
—	عربى	جلاء البصر لمن يتولى الائمة الاثنى عشر <small>عليهم السلام</small>	٩٢
—	عربى	حديث افتراق المسلمين على ثلاث وسبعين فرقة	٩٣
—	عربى	من لهذا العالم؟	٩٤
—	عربى	بين العلمين، الشيخ الصدوق والشيخ المفيد	٩٥
—	فارسى	داورى ميان شيخ صدوق و شيخ مفيد	٩٦
—	عربى	مقدمات مفصلة على «مقتضب الاثر» و «مكيال المكارم» و «منتقى الجمان»	٩٧
—	عربى	امان الامة من الضلال والاختلاف	٩٨
—	عربى	البكاء على الامام الحسين <small>عليه السلام</small>	٩٩
—	عربى	النقود اللطيفة على الكتاب المسمى بالاخبار الدخيلة	١٠٠

—	فارسی	پیام غدیر	۱۰۱
تربیتی			
—	فارسی	عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان	۱۰۲
—	فارسی	بهار بندگی	۱۰۳
—	فارسی	راه اصلاح (امر به معروف و نهی از منکر)	۱۰۴
—	فارسی	با جوانان	۱۰۵
تاریخ			
—	فارسی	سیرحوزه‌های علمی شیعه	۱۰۶
—	فارسی	رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی)	۱۰۷
سیره			
—	فارسی	پرتوی از عظمت امام حسین <small>علیه السلام</small>	۱۰۸
—	فارسی	آینه جمال	۱۰۹
—	فارسی	از نگاه آفتاب	۱۱۰
—	فارسی	اشک و عبرت	۱۱۱
تراجم			
—	فارسی	زندگانی آیت‌الله آخوند ملا محمدجواد صافی گلپایگانی	۱۱۲
—	فارسی	زندگانی جابر بن حیان	۱۱۳
—	فارسی	زندگانی بوداسف	۱۱۴

—	فارسی	فخر دوران	۱۱۵
شعر			
—	فارسی	دیوان اشعار	۱۱۶
—	فارسی	بزم حضور	۱۱۷
—	فارسی	آفتاب مشرقین	۱۱۸
—	فارسی	صحیفة المؤمن	۱۱۹
—	فارسی	سبط المصطفی	۱۲۰
—	فارسی	در آرزوی وصال	۱۲۱
مقاله‌ها و خطابه‌ها			
—	فارسی	حدیث بیداری (مجموعه پیام‌ها)	۱۲۲
—	فارسی	شب‌پرگان و آفتاب	۱۲۳
—	فارسی	شب عاشورا	۱۲۴
—	فارسی	صبح عاشورا	۱۲۵
—	فارسی	با عاشوراییان	۱۲۶
—	فارسی	رسالت عاشورایی	۱۲۷